



آمدهام که سرنهم

گزارش‌های خبرنگاران «ایران» از اولین روز وداع با رهبر شهید



عکس: رضا مطهریان / ایران

رابطه کارگر و کارفرما در اندیشه رهبر شهید: از تضاد به زوجیت

احمد میدری
وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی

مقدمه

آخرین دیدار رهبر شهید با کارگران ایران، ۲۰ اردیبهشت ۱۴۰۴ بود. در این سخنرانی موضوعی را مطرح کردند که برای من تاریک داشت. ایشان گفتند تضاد دیالکتیکی مارکس را قبول ندارند و نظریه درست، زوجیت است. مخالفت ایشان با نظریه مارکس، تازه نبود، اما نظریه زوجیت، آن هم به عنوان یک بدیل، کاملاً تازه بود. رهبر شهید طول و عرض این نظریه را از یک جهان بینی تا یک برنامه عمل اجرایی بسط می‌داد. با جست‌وجو در بیانات ایشان متوجه شدم از دهه ۱۳۴۰ به این نظریه باور داشته و بارها به آن اشاره کرده‌اند. عین عبارت ایشان در اردیبهشت ۱۴۰۴ این است:

«ببینید، در فلسفه مارکسیست‌ها و کمونیست‌ها محیط کار محیط تضاد است، محیط دشمنی است، یعنی کارگر با بیستی با آن صاحب کارخانه دشمن باشد. فلسفه این است، مجموعه حرکت جامعه، حرکت ضدیت با یکدیگر و تضاد است... اسلام درست نقطه مقابل این را می‌گوید. اسلام محیط زندگی را، محیط کار را، محیط تاریخ را، محیط انشلاف و همراهی و همفکری می‌داند. آن‌هایی که اهل دنبال‌گیری و تحقیق در قرآن هستند، تعبیر «زوجیت» را، کلمه «زوج» را، «زوجیت» را در قرآن دنبال کنند؛ شبخانی الّذی خَلَقَ الْاَرْوَاحَ كُلَّهَا مِمَّا نَفِثَ الْاَرْضِ وَمِنَ اَنْفُسِهِمْ وَ مِمَّا لَا يَخْتَلِفُونَ» یعنی در همه چیز عالم مسأله همراهی، همدمی، همکاری و هم‌افزایی وجود دارد. راجع به محیط کار هم همین جور است؛ باید هم‌افزایی بشود؛ بایستی از دو طرف صمیمانه، نه [فقط] با زبان، به یکدیگر کمک کنند.»

نگاه رهبر شهید به زوجیت در چند محور قابل مشاهده است:

- این نظریه با نظریه تضاد و فلسفه مارکسیست‌ها در تقابل است.
- نظریه زوجیت یک نظریه فراگیر و به عبارت دیگر، جهان‌بینی است و در همه عالم وجود دارد؛ همان‌طور که در نظریه مارکس، تضاد در عالم فیزیک و در طبیعت نیز حاکم است.
- نظریه زوجیت به هم‌افزایی در همه عرصه‌ها منجر می‌شود؛ همان‌طور که نظریه تضاد به ستیز در همه عرصه‌ها.

سؤالات مختلفی مطرح بود؛ چه کسانی طرفدار این جهان‌بینی هستند و بنیانگذاران آن چه کسانی بودند؟ پذیرش آن چه تأثیری بر روابط کارگر و کارفرما دارد؟ پذیرش یا رد آن چه تأثیری بر سیاست در حوزه‌های گوناگون دارد؟ این سؤالات نقطه شروعی بود که در یک سال گذشته، هر قدر مشغله وزارت اجازه می‌داد به آن پرداختم. پاسخی که یافتم، به طور خلاصه این است: سه‌رودی، این سینا و ملاصدرا این جهان‌بینی را مدون کردند، مفسران مختلف قرآن به آن ادعان داشته‌اند، در میان عرفا طرفداران بسیار دارد، مولوی بیش از همه این جهان‌بینی را به میان مردم برده، علامه

طباطبایی و شهید مطهری در کتاب «اصول فلسفه و روش رئالیسم» در نقد مارکس و هگل آن را دوباره زنده کردند و امروز نیز در غرب تأثیر این جهان‌بینی بر فلسفه سیاسی مورد علاقه پژوهشگران است.

در عرصه عمل، این جهان‌بینی نه تنها روابط کار و قانوس کار را تغییر خواهد داد، بلکه مبنای نظری برای مسائل سیاسی داخلی و روابط بین‌الملل است. در اینجا تنها به حوزه روابط کار می‌پردازیم.

زوجیت در قرآن

زوجیت در قرآن در آیه‌های مختلف آمده است. بر این اساس، زوج بودن نه تنها مختص حیوانات است، بلکه در نباتات و همه اجزای هستی این اصل وجود دارد و همان‌طور که شرط بقای گونه‌های حیاتی است، همه اجزای هستی با ازدواج، حیات و تکامل می‌یابند. موضوع زوجیت در این آیه‌ها به روشنی آمده است:

● سوره ذاریات، آیه ۴۹: «وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنَ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» (و از هر چیزی دو جفت آفریدیم، شاید که متذکر شوید.)

● سوره یس، آیه ۳۶: «شِبْخَانَ الَّذِي خَلَقَ الْاَرْوَاحَ كُلَّهَا مِمَّا نَفِثَ الْاَرْضِ وَمِنَ اَنْفُسِهِمْ وَ مِمَّا لَا يَخْتَلِفُونَ» (منزه است کسی که تمام جفت‌ها را آفرید؛ از آنچه زمین می‌رویانند، و از خودشان، و از آنچه نمی‌دانند.)

● سوره رعد، آیه ۳: «وَهُوَ الَّذِي عَسَا الْاَرْضَ وَ جَعَلَ فِيهَا زَوْجَيْنِ ذَا نِثٍ وَ اَنْهَارًا وَ مِنَ كُلِّ الثَّمَرَاتِ جَعَلَ فِيهَا زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ» (او است کسی که زمین را بگسترده و در آن کوه‌ها و رودها قرار داد و از هرگونه میوه‌ای در آن جفت‌های دوتایی پدید آورد.)

● سوره شعراء، آیه ۷: «اَوَلَمْ يَرَوْا اِلَّا الْاَرْضَ كَمَا اُنْبِتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ» (آیا به زمین نگریسته‌اند که چه اندازه در آن از هر جفت ارزشمندی رویانیده‌ایم؟)

● سوره لقمان، آیه ۱۰: «... خَلَقَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا وَ اَلْقَى فِي الْاَرْضِ رَوَاسِيًا اَنْ يَمِيدَ بِكُمْ وَ بَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَ اَنْزَلْنَا مِنْ سَمَاءٍ مَاءً فَاَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ» (و در زمین از هر نوع جنبنده‌ای پراکنده ساخت و از آسمان آبی فرو فرستادیم، پس در آن از هر جفت باارزشی رویانیدیم.)

● سوره حج، آیه ۵: «... وَ تَرَى فِي الْاَرْضِ هَامِدَةً فَاِذَا اَنْزَلْنَا عَلَيَهَا الْغَاثَ الْهَتَّتْ وَ رِيَّتْ وَ اَنْبَتَتْ مِنْ كُلِّ زَوْجٍ نَهِيحٍ» (و زمین را فسرده و مرده می‌بینی، پس چون آب بر آن فرو فرستیم، به اهتزاز درآید و رشد کند و از هر جفت بهجت‌انگیزی برویانند.)

از گیاهان گوناگون برآوردیم.) حال سؤال این است که اگر جهان با زوجیت تکامل می‌یابد و به جای تضاد باید تفاوت‌ها را مکمل بدانیم، در حوزه کارگر و کارفرما این جهان‌بینی چه تأثیر عملی خواهد داشت؟

تضاد یا زوجیت در روابط کار

مارکس و انگلس، قهرمانان نظری و عملی جهان‌بینی تضاد هستند. آنان بر این باور بودند که دنیای مادی و طبیعت (مانند اصل بقای اصلح داروین در طبیعت) بر اساس تضاد تکامل یافته، تاریخ بشر نیز بر اساس تضاد نیروهای اجتماعی شکل‌گرفته است، بنابراین باید بر تضاد «میان کارگر و کارفرما» دم‌تا جامعه برابر زاده شود.

مارکس و انگلس در «مانیفست حزب کمونیست» (۱۸۴۸)، با زبانی پرشور، قاطع این انقلاب چیز زنجیرهای خود را از کف محک تاریخ معرفی کرده‌اند: «تاریخ همه جوامعی که تاکنون وجود داشته، تاریخ مبارزه طبقاتی است... کمونیست‌ها... آشکارا اعلام می‌دارند که اهداف آنها فقط از طریق سرنگونی قهرامیز قابل حصول است. بگذار طبقات فرمانروا در پیشگاه کمونیستی بر خود بزلزند. پروتلرها (کارگران صنعتی) در این پارادایم، هیچ فضایی برای هم‌افزایی، تقاضای دردم‌تندی منافع وجود ندارد و تنها نتیجه محتوم، فروپاشی سیستم سرمایه‌داری از طریق کینه و تضاد انباشته شده است.

جهان‌بینی مبتنی بر تضاد در عرصه عمل به انقلاب و مبارزه می‌یافت. کارگران با کارفرمایان می‌انجامید؛ چنانچه در قرن نوزدهم و بیستم الهام‌بخش بسیاری از جنبش‌ها و انقلاب‌های خونین در بسیاری از کشورهای جهان بود.

بازتاب نظریه زوجیت در روابط کار

شاید روابط کار در ژاپن را بتوان نزدیک‌ترین مدل به نظریه زوجیت دانست. در مدل ژاپنی، کارفرما و کارگر یک خانواده هستند، رابطه‌ی کارگر و کارفرما و همچنین اخراج او یک رفتار ناهنجار و منافع این دو با هم گره خورده است. برای درک مدلی که با نظریه زوجیت سازگار باشد، مقایسه سه الگو مفید است:

است، اما تلاش دارد با چارچوب حقوقی، تضاد را مدیریت کند. در حالی که مدل زوجیت اساساً به دنبال تغییر نگاه و البته نیازمند چارچوب حقوقی خود است.

در مدل اروپایی، گروهی از مارکسیست‌ها بدون رد تضاد منافع، نظریه‌ای اصلاح‌آمیز برای مدیریت تضاد منافع کارگران و کارفرمایان دارند. پیشتر این دیدگاه که از یک سو تضاد منافع را می‌پذیرفت اما شیوه انقلابی را مغایر با اهداف می‌دانست، «ادوارد برنشتاین» (Eduard Bernstein) آلمانی بود. او به عنوان پایه‌گذار و پدر رویزیونیسم (تجدیدنظرطلبی) در مارکسیسم، بار د تئوری فروپاشی قطعی سرمایه‌داری و نفی دیالکتیک تضاد حاد، پیشنهاد داد که سوسیالیسم و عدالت اجتماعی می‌تواند نه از طریق انقلاب‌های خشونت‌آمیز، بلکه در بستر دموکراسی‌های پارلمانی، نهاد‌های مدنی و با تکیه بر اصلاحات تدریجی محقق شود. او تئوری مارکسیستی مبارزه طبقاتی را به شکل عمل‌گرایانه‌ای به «همکاری طبقاتی» و «آشتی اجتماعی» تبدیل کرد و به جای شعار انهدام دولت سرمایه‌داری، بهبود گام‌به‌گام شرایط زندگی کارگران، گسترش نظام بیمه‌های اجتماعی و تقلیل ساعات کار را پیشنهاد کرد. از کشورهای اروپایی دانست و در عرصه عمل جمله کلیدی و استراتژیک برنشتاین که جوهره این نگاه عمل‌گرایانه را نشان می‌دهد، این است: «سوسیالیسم نقطه پایان نیست، بلکه یک راه و جنبش مداوم است.» اگر مارکس پدر انقلاب‌های خونین بود، هوادار او ادوارد برنشتاین «پدر سوسیال‌دموکراسی مدرن» بود. نظریه او را می‌توان الهام‌بخش بسیاری از کشورهای اروپایی دانست و در عرصه عمل همچنان زنده و پویاست.

در مورد کشور خودمان، نمی‌توان آن را مدلی مبتنی بر زوجیت دانست و آنچه پس از انقلاب اسلامی در عرصه قانون کار رخ داد، به نظریه تضاد و الگوی اول نزدیک‌تر است. هرچند بررسی دقیق‌تری می‌خواهد اما قانون کار و فضایی که همچنان در آن به سر می‌بریم مبتنی بر تضاد است. روزهای اول انقلاب مانند همه انقلاب‌ها فضای قهرامیز حاکم نبود و به نظری می‌رسد قانون کار در همین فضای قهر و ستیز مدون شده است. با وجود این فرهنگ ایران با زوجیت عین شده است.

تفاوت مدل ژاپنی با مدل اروپایی
درک تفاوت میان این دو مهم است. در مدل اروپایی، اصل تضاد انکار نمی‌شود و در ادامه اندیشه مارکس است که مبتنی بر تضاد منافع

است، اما تلاش دارد با چارچوب حقوقی، تضاد را مدیریت کند. در حالی که مدل زوجیت اساساً به دنبال تغییر نگاه و البته نیازمند چارچوب حقوقی خود است.

در مدل اروپایی، گروهی از مارکسیست‌ها بدون رد تضاد منافع، نظریه‌ای اصلاح‌آمیز برای مدیریت تضاد منافع کارگران و کارفرمایان دارند. پیشتر این دیدگاه که از یک سو تضاد منافع را می‌پذیرفت اما شیوه انقلابی را مغایر با اهداف می‌دانست، «ادوارد برنشتاین» (Eduard Bernstein) آلمانی بود. او به عنوان پایه‌گذار و پدر رویزیونیسم (تجدیدنظرطلبی) در مارکسیسم، بار د تئوری فروپاشی قطعی سرمایه‌داری و نفی دیالکتیک تضاد حاد، پیشنهاد داد که سوسیالیسم و عدالت اجتماعی می‌تواند نه از طریق انقلاب‌های خشونت‌آمیز، بلکه در بستر دموکراسی‌های پارلمانی، نهاد‌های مدنی و با تکیه بر اصلاحات تدریجی محقق شود. او تئوری مارکسیستی مبارزه طبقاتی را به شکل عمل‌گرایانه‌ای به «همکاری طبقاتی» و «آشتی اجتماعی» تبدیل کرد و به جای شعار انهدام دولت سرمایه‌داری، بهبود گام‌به‌گام شرایط زندگی کارگران، گسترش نظام بیمه‌های اجتماعی و تقلیل ساعات کار را پیشنهاد کرد. از کشورهای اروپایی دانست و در عرصه عمل جمله کلیدی و استراتژیک برنشتاین که جوهره این نگاه عمل‌گرایانه را نشان می‌دهد، این است: «سوسیالیسم نقطه پایان نیست، بلکه یک راه و جنبش مداوم است.» اگر مارکس پدر انقلاب‌های خونین بود، هوادار او ادوارد برنشتاین «پدر سوسیال‌دموکراسی مدرن» بود. نظریه او را می‌توان الهام‌بخش بسیاری از کشورهای اروپایی دانست و در عرصه عمل همچنان زنده و پویاست.

شاخص مقایسه	مدل آنکلو-ساکسون (امریکا و بریتانیا)	مدل نوردیک/اروپایی (سوئد و فرانسه)	مدل ژاپنی (شرق آسیا)
ماهیت رابطه	قراردادی و مکانیکی: کارگر یک منبع قابل تعویض است.	حقوقی و رفاهی: تمرکز بر حمایت قانون و تأمین اجتماعی.	خانوادگی و شبه‌مقدس: شرکت مثل خانه دوم و کارفرما مثل پدر و عضو بزرگتر خانواده است.
سهولت اخراج کارگر	بسیار آسان: سیاست Employment at will (اخراج در هر زمان بدون دلیل خاص).	دشوار: قوانین کار سخت‌گیرانه و نیاز به مجوز اتحادیه‌های قدرتمند.	بسیار سخت: اخراج مایه ننگ اجتماعی برای شرکت است و به‌ندرت رخ می‌دهد.
مبنای ارتقای شغلی	فقط شایستگی فردی و خروجی کوتاه‌مدت مالی.	توافقات دسته‌جمعی صفتی و مهارت‌آموزی.	سابقه کار، وفاداری به سازمان و کار تیمی طولانی‌مدت.
نگاه به بحران‌های مالی	تعدیل نیرو و اخراج سریع کارگران برای حفظ سود سهام‌داران.	دولت حقوق کارگران بیکار را می‌دهد تا شرکت آسیب نبیند.	کاهش حقوق مدیران ارشد: ابتدا پاداش مدیران قطع می‌شود تا کارگران حفظ شوند.

پوشی برای عینیت بخشیدن به زوجیت در عرصه کار و تولید

در دو سال تجربه وزارت کار شواهدی دارم که روح زوجیت را در میان کارفرمایان و کارگران ایران نشان می‌دهد. در یزد نخستین با کارفرمایان داشتم که یکی از آنان گفت، «چرامسکن کارگری را دوباره در برنامه وزارت کار قرار نمی‌دهید؟ کارگر دروغه مسکن نداشته باشد دلسوزتر و با مهارت بیشتری کار می‌کند. من به عنوان کارفرما، هر کمکی بتوانم برای مسکن کارگری می‌کنم.» از آن زمان تاکنون کارفرمایان زیادی از مسکن کارگری استقبال کردند و اگر جنگ تحمیلی نبود جوشی در مسکن کارگری رخ می‌داد. برای افزایش مهارت کارگران، سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای از کارفرمایان و انجمن‌های آنان هرگاه کمک خواسته است کوتاهی نکردند و آماده همکاری بودند. برای کاهش حوادث ناشی از کار با کانون نظام مهندسی طرحی بزرگ آن هم به پیشنهاد آنان در دست تهیه است. کارفرمای معدن زغال‌سنگ طیس که ۵۳ کارگر آن جان خود را از دست دادند به ایران آمده و اقدامات زیادی برای بازماندگان و کارگران انجام داده است. با در ملارد، کارفرمایی می‌گفت وقتی کارخانه آتش گرفت، کارگران با خانواده‌های خود برای خاموش کردن آمدند و وقتی آنان را از محیط دور کردم زارزار می‌گریستند. در ایزنول تهران که کارخانه‌های دولتی است، انتظار می‌رود کارگر مثل بخش خصوصی تعصب نداشته باشد، در حمله موشکی بدون ترس از موشک‌های بعدی، کارگران مواد خطرناک را تخلیه می‌کردند. پس از آتش‌سوزی نیز بسیاری از کارفرمایان از جمله بسیاری از هتل‌ها که فروش خدمات آنان به ۱۰ تا ۲۰ درصد قیصل از جنگ کاهش یافته بود کارگران را اخراج نکردند.

اینها گوشه‌ای از لایه نهفته فرهنگ زوجیت در ایران است که ریشه در تاریخ این کشور دارد. آگاهی کاذب وارداتی و پیچیدگی زندگی جمعی موجب غفلت ما از آنچه این سینا عشق تکوینی، ابن عربی آن را تکاح تکوینی می‌دانند، کردید و نظام حقوقی ما را به بیراهه بردند. می‌توانیم و باید روابط کار خود را بر مبنای زوجیت بازسازی کنیم. این بازسازی نه تنها باید به تعبیر شهید مطهری به قرآن فارسی‌زبان (مثنوی مولوی) ایمان داشت: حکمت حق در قضا و در عاقد

کند ما را عاشقان یکدیگر
جمله اجزای جهان زان حکم پیش
جفت جفت و عاشقان جفت خویش
هست هر جزوی ز عالم جفت خواه
راست همچون کهریبا و برگ کاه
آسمان گوید زمین را مرحبا
با توام چون آهنی و آهن‌ربا
آسمان مرد و زمین زن در روش
هرچه آن انداخت این کندش پرورش
پس زمین و آسمان جفت آمدند
رو به کار خود چو جفت آمدند
گر نبودی با زمین این میل و جفت
چی جهان آبتن زادن گرفت؟

در دو سال تجربه وزارت کار شواهدی دارم که روح زوجیت را در میان کارفرمایان و کارگران ایران نشان می‌دهد. در یزد نخستین با کارفرمایان داشتم که یکی از آنان گفت، «چرامسکن کارگری را دوباره در برنامه وزارت کار قرار نمی‌دهید؟ کارگر دروغه مسکن نداشته باشد دلسوزتر و با مهارت بیشتری کار می‌کند. من به عنوان کارفرما، هر کمکی بتوانم برای مسکن کارگری می‌کنم.» از آن زمان تاکنون کارفرمایان زیادی از مسکن کارگری استقبال کردند و اگر جنگ تحمیلی نبود جوشی در مسکن کارگری رخ می‌داد. برای افزایش مهارت کارگران، سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای از کارفرمایان و انجمن‌های آنان هرگاه کمک خواسته است کوتاهی نکردند و آماده همکاری بودند. برای کاهش حوادث ناشی از کار با کانون نظام مهندسی طرحی بزرگ آن هم به پیشنهاد آنان در دست تهیه است. کارفرمای معدن زغال‌سنگ طیس که ۵۳ کارگر آن جان خود را از دست دادند به ایران آمده و اقدامات زیادی برای بازماندگان و کارگران انجام داده است. با در ملارد، کارفرمایی می‌گفت وقتی کارخانه آتش گرفت، کارگران با خانواده‌های خود برای خاموش کردن آمدند و وقتی آنان را از محیط دور کردم زارزار می‌گریستند. در ایزنول تهران که کارخانه‌های دولتی است، انتظار می‌رود کارگر مثل بخش خصوصی تعصب نداشته باشد، در حمله موشکی بدون ترس از موشک‌های بعدی، کارگران مواد خطرناک را تخلیه می‌کردند. پس از آتش‌سوزی نیز بسیاری از کارفرمایان از جمله بسیاری از هتل‌ها که فروش خدمات آنان به ۱۰ تا ۲۰ درصد قیصل از جنگ کاهش یافته بود کارگران را اخراج نکردند.

گروه سیاسی - روز جمعه میهمانان خارجی برای ادای احترام به رهبر شهید به ایران و مصلاى تهران آمده بودند و حالا از صبح شنبه نوبت به میهمانان داخلی آقا رسیده بود که برای وداع و آخرین دیدار معنوی از سراسر ایران زمین خود را به تهران و میعادگاه عاشقان رهبری در مصلاى تهران برسانند. بر اساس برنامه اعلامی مراسم دیروز قرار بود از ساعت ۶ صبح آغاز شود. این به آن معنا بود که درهای مصلى در همین ساعت باز خواهد شد. خیل مشتاقان عزادار اما کار را به ساعت ۶ صبح نرساند و مسئولان ستاد ویژه مراسم وداع و تشییع در همان ساعات آخر جمعه شب در برابر حضور مردم، تعدادی از درب‌های ورودی را باز کردند. درخواست‌های متعدد از استان‌های مختلف کشور برای فراهم شدن امکان حضور مردم در مراسم وداع و تشییع سبب شده تا هیات دولت امروز یکشنبه ۱۴ تیرماه را نیز تعطیل رسمی در سراسر کشور اعلام کند.

حال و هوای مسیره‌های منتهی به مصلى
از همان ساعات آغازین بامداد روز شنبه فضای شهر و مسیرهای منتهی به مصلى حال و هوای خاصی پیدا کرده بود، ترکیبی از سوگواری و اشتیاق برای دیدار. خیابان‌های اطراف مصلى به‌تدریج از انبوه عزادارانی پر شد که از شهرهای گوناگون کشور خود را به تهران رسانده بودند تا در اولین روز مراسم وداع با پیکر رهبر شهید و برخی اعضای خانواده ایشان حضور داشته باشند. موج جمعیت به‌سرعت رو به افزایش بود به‌گونه‌ای که خیابان‌ها، ایستگاه‌های مترو و راه‌های دسترسی به مصلى رنگ‌بویی عزا و شور ملی و حماسی به خود گرفته بود.

در محوطه پیرامون مصلى، موبک‌های مردمی

برپا شده و نیروهای خدماتی، امدادی و انتظامی مشغول خدمت برای اجرای هرچه باشکوه‌تر این مراسم بودند. فضای اطراف مصلى ترکیبی از نظم، امنیت، همبستگی و اندوه را به نمایش می‌گذاشت؛ حالتی که در سیمای پیر و جوان، مرد و زن و حتی کودکانی که همراه خانواده‌های خود آمده بودند، به‌وضوح مشهود بود. با باز شدن همه درهای مصلى در بامداد شنبه، سیل عظیم سوگواران به‌آرامی به سمت شبستان‌ها و صحن‌های اصلی حرکت کرد.

حاضران سپاه پوش در دستان خود پرچم جمهوری اسلامی ایران، پرچم‌های سرخ «یا لثارات الحسین»، کسک‌های رهبر شهید و دیگر نمادهای مراسم را حمل می‌کردند. صدای نوحه‌سرایی و مرثیه از هر گوشه به گوش می‌رسید و مصلى را به مکانی برای سوگواری جمعی گسترده بدل کرده بود.

عزاداری

به شیوه‌ها و آیین‌های بومی و محلی
بخش رسمی مراسم با قرائت آیاتی از کلام‌الله مجید، اجرای سرود ملی و مرثیه‌خوانی آغاز شد. از همان ذقایق ابتدایی، فضای معنوی مصلى آمیخته با نجوی دعا، اشک عزاداران و زمزمه‌های آنان همراه شد. شعارهایی که از دل جمعیت طنین انداز می‌شد، صرفاً بازناب غم و اندوه نبود، بلکه نشانه‌ای از پابیندی به آرمان‌هایی بود که رهبر شهید تمام زندگی خود را صرف آن کرده بود. با این حال حضور اقشار گوناگون جامعه یکی از نکات برجسته این روز بود. خانواده‌هایی که فرزندان خردسال خود را نیز همراه آورده بودند، سالمندانی که با وجود مشقت سفر خود را به تهران رسانده بودند، جوانانی که پرچم‌ها را بر دوش می‌کشیدند و گروه‌هایی

از اقوام مختلف ایرانی با پوشش‌های محلی، تصویری بی‌نظیر از تنوع فرهنگی و همبستگی ملی به نمایش گذاشتند. برخی از حاضران نیز بر اساس آیین‌های سنتی مناطق خود، لباس‌هایی آغشته به خاک و گل در مراسم شرکت کرده و به شیوه بومی خود به عزاداری پرداختند.

اما هر گوشه از مصلى، روایت خود را از سوگ و وداع داشت؛ هر گروه و هر جمع، به شیوه خود اندویش را ابراز می‌کرد. مثلاً هیأت‌های مذهبی که در ماه‌های گذشته حضوری مستمر در آیین‌های شبانه مردمی داشتند، درحالی وارد صحن اصلی شدند که پرچم‌های سرخ خونخواهی را برافراشته بودند و نوای مرثیه‌شان که می‌خواندند: «ای اهل حرم، میر علمدار نیامد…» بر عمق اندوه حاکم بر فضا می‌افزود. اندکی بعد، برافراشته شدن پرچم سرخ بر فراز گنبد مصلى، هم‌زمان با شعارهای حماسی عزاداران، یکی از ماندگارترین تصاویر اولین روز این وداع را رقم زد.

در گوشه دیگر نیروهای مسلح کشور با حضور در این آیین به پیکر رهبر شهید ادای احترام کردند. یگان‌هایی از ارتش و نیروهای نظامی و انتظامی در کنار مردم ایستادند و در سکوت و احترامی خاص در مراسم شرکت کردند. علاوه بر این، جمعی از هنرمندان و اهالی فرهنگ، از جمله چهره‌های سینمایی، به‌صورت گزوانی فرهنگی خود را به مصلى رساندند و همراه با دیگر اقشار جامعه در این آیین حضور یافتند.

همچنین خانواده‌های شهدای مختلف کشور، از جمله خانواده‌های شهدای مدرسه شجره طیبه میناب، هم خود را به تهران رسانده بودند تا در این مراسم حضور یابند و یاد عزیزان خود را با این وداع بزرگ بیوند بزنند.

گپ و گفت کوتاه با زائران شهید ایران
به تعبیری در میان جمعیت شرکت‌کنندگان در مراسم وداع رهبر شهید، اقشار مختلف مردم از شهرهای گوناگون حضور داشتند که هر کدام با انگیزه‌ای متفاوت برای بدرقه رهبر شهید آمده بودند. مردی سالخورده که از یادگشت برای حضور در این مراسم آمده بود در گپ و گفت کوتاهی به ما گفت: «به همراه فرزندانم آمده‌ایم تا برای آخرین بار با آقا خداحافظی کنیم و بار دیگر با آرمان‌های ایشان تجدید بیعت کرده و بگوئیم راهش ادامه دارد.» یک خانم که به همراه همسر و دو فرزند خردسال خود از ورامین در مراسم حضور یافته بود، هم دلایل حضورش را این گونه روایت کرد: «برخی توصیه می‌کردند که به مراسم نیایم؛ می‌گفتند امکانات کافی وجود ندارد، گرمای هوا آزاردهنده است …». اما برخلاف همه این نگرانی‌ها، مراسم با نظم و آرامش در حال برگزاری است و از ابتدای مسیر تاکنون با هیچ مشکلی مواجه نشده‌ایم.»

سه نوجوان ساکن شهر قم نیز که خود را به مراسم رسانده بودند درباره هدف خود در مراسم وداع رهبری، گفتند: «آمده‌ایم تا نشان دهیم آقا تنها نیست و تا آخرین قطره خون، پشت کشور و نظام ایستاده‌ایم.» خانواده‌ای از استان ایلام نیز با بیان اینکه در زمان حیات رهبر شهید توفیق دیدار با ایشان را نداشته‌اند، گفتند: «قسمت نشد در دوران حیات آقا ایشان را از نزدیک ببینم؛ امروز آمده‌ایم تا هم برای آخرین بار وداع کنیم و هم ادای احترام داشته باشیم.»

در کنار جنبه‌های معنوی این مراسم، برنامه‌ریزی وسیعی نیز برای تسهیل حضور پررنگ داشتند و در این میان چند دختر جوان ساکن شهریار هدف خود از حضور در این مراسم را خداحافظی با رهبر شهید عنوان

کردند و گفتند که برای تجدید بیعت با رهبر انقلاب سید مجتبی خامنه‌ای در این مراسم شرکت کرده‌اند. با این حال ساکنان تهران از روز جمعه و بامداد روز گذشته حضور پررنگی در مراسم وداع داشتند در میان جمعیت پدر یک خانواده که از اولین ساعات صبح به حضور مستقر مردم گفت: «این حضور، پیام روشنی برای مردم ایران و دشمنان کشور دارد؛ پیامی از همدلی، انسجام و وحدت ملی. کسانی که تصور می‌کردند ایران دچار اختلاف و چنددستگی شده است، امروز با این حضور گسترده پاسخ خود را گرفتند و دیدند که مردم همچنان در کنار رهبری و نظام ایستاده‌اند.»

البته آیین وداع تنها به حضور ملت ایران محدود نماند و هیأت‌هایی مرد می از کشورهای دیگر همچون پاکستان، نیجریه و کرچستان نیز با در دست داشتن پرچم‌های ملی خود در این مراسم شرکت کردند و در کنار مردم ایران به سوگواری پرداختند. از آن سو بازناب این رویداد به داخل مرزهای کشور محدود نماند. خبرنگاران و عکاسان رسانه‌های داخلی و بین‌المللی از ساعات اول صبح در محل حاضر بودند و لحظه‌به‌لحظه این مراسم را برای مخاطبان خود پوشش می‌دادند. تصاویر حضور گسترده مردم، صف‌های طولانی عزاداران و فضای معنوی حاکم بر مصلى، به یکی از مهم‌ترین محورهای خبری بدل شد.

خدماتی برای تسهیل زائران

در کنار جنبه‌های معنوی این مراسم، برنامه‌ریزی وسیعی نیز برای تسهیل حضور و آسایش عزاداران صورت گرفته است. برای این منظور، ایستگاه‌های متروی «مصلى»، محورهای خبری بدل شد.

احترام نظامی به فرمانده شهید

یکی دیگر از صحنه‌های بی‌نظیری که در اولین روز وداع با رهبر شهید رقم خورد و ثبت شد، زمانی بود که هزاران نفر از مردمی که در مصلى حضور داشتند، یکپارچه و در کنار یکدیگر به فرمانده شهید گل قوا احترام نظامی گذاشتند. این احترام نظامی، جنسی جدا از احترام فرماندهان و سربازان نیروهای مسلح داشت. کوبی مردمی که در مصلى حاضر شده بودند، به نیابت از تمام مردم ایران، برای آخرین بار به شخصیتی ادای احترام می‌کردند که طی ۳۷ سال زعامتش بر انقلاب اسلامی، و با نگاه ژرفی که به نیروهای مسلح داشت، سازه اقتدار دفاعی کشور را بی‌ریزی کرده بود. از دیگر نکات جالب توجه که در بدو ورود به محوطه اصلی مصلاى امام خمینی (ره) و در قسمت بالایی جایگاه پیکر رهبر شهید خودنمایی می‌کرد، آیه ۴۶ سوره سبأ بود. اینکده «گو شما را تنها به یک چیز اندرز می‌دهم و آن اینکه دو نفر دو نفر با یک نفر یک نفر برای خدا قیام کنید.» اگر قرار بود چند دهه زیست و زندگی حضرت آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای در یک جمله بی‌نقص خلاصه شود، این رساترین و بی‌گم‌وکاست‌ترین عبارتی بود که می‌شد استفاده کرد. تقارن این آیه شریفه با شعار مراسم وداع و تشییع رهبر شهید (باید برخاست) نیز از همین موضوع حکایت دارد. اما اگر قرار باشد اولین روز از مراسم وداع با رهبر شهید را خلاصه‌وار روایت کرد، باید گفت مصلاى تهران روز سیزدهم تیرماه ۱۴۰۵، میزبان مردم قدرشناسی بود که بیش از ۴ ماه پس از آغاز جنگ آمریکا و رژیم صهیونیستی، پس از ۱۲۰ روز حماسه‌سازی در دفاع از میهن و نظام اسلامی، حالا که فرصتی دست داده بود، به پاس ۳۷ سال مجاهدت، به آخرین دیدار عمومی حضرت آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای آمده بودند تا قدرشناسی‌شان را نشان دهند.

زمره مطالبات راهبردی معظم‌له قرار داشته است. لذا امروز که اقتصاد دیجیتال، هوش مصنوعی و فناوری‌های نوظهور، موتور محرک توسعه کشورها هستند، عمق و ارزش این روندها بیش از گذشته اهمیت یافته‌اند و برای ما که توفیق خدمت در حوزه ارتباطات و فناوری اطلاعات را داریم، نقشه راهی روشن برای حرکت در مسیر اقتدار فناورانه و پیشرفت ایران اسلامی به شمار می‌آیند.

عهدی برای ادامه راه

از مجموعه رهنمودها و فرامین آن معمار حکمرانی آینده، به روشنی می‌توان دریافت که فضای مجازی، هوش مصنوعی و فناوری‌های نوین، از نگاه ایشان نه موضوعاتی صرفاً فنی، بلکه از ارکان قدرت ملی، استقلال، پیشرفت و آینده تمدنی ایران هستند. مسئولان، پایشرفت و آینده تمدنی ایران باید در هر زمان دیگری مستقیماً همه ما را سنجین‌تر کرده است.

سید و مقتدا شهید! امروز در جایگاهی که توفیق خدمت به مردم ما دارم، بیش از هر زمان دیگری سنگینی امانتی را احساس می‌کنم که با رهنمودهای حکیمانه شما بر دوش ما نهاده شده است. در این برهه، یک‌بار دیگر با روح بلندتان عهد می‌بندم که تا جان در بدن دارم، خدمت در مسیر تحقق آرمان‌ها، فرامین و رهنمودهای شما را نه صرفاً یک مسئولیت اجرایی، بلکه گردن، مقدس بدانم و همه توان خود را برای ادامه این راه به کار گیرم، ان‌شاء‌الله.

از صحنه‌های بی نظیری که در اولین روز وداع با رهبر شهید رقم خورد و ثبت شد، زمانی بود که هزاران نفر از مردمی که در مصلى حضور داشتند، یکپارچه و در کنار یکدیگر به فرمانده شهید گل قوا احترام نظامی گذاشتند

نگاه تمدنی رهبر شهید به فضای مجازی



سید ستار هاشمی

وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات

در روزهایی که ایران اسلامی و سایر آزادگان جهان در فراق رهبر شهید انقلاب اسلامی به سوگ نشسته‌اند، نوشتن از ایشان برای من تنها ادای یک وظیفه نیست؛ روایت دلنتگی شاگردی است که خود را وامدار اندیشه، دوران‌پیشی و رهنمودهای استادی ژرف‌اندیش می‌داند که با فراستی ویژه، افق آینده را روشن‌تر از دیگران می‌دید. امروز، نه‌تنها فقدان یک رهبر بزرگ را احساس می‌کنم، بلکه به‌عنوان یک مدیر دولتی، مسئولیتی سنگین را بر دوش خود می‌بینم که در قالب رهنمودها، فرامین و نگاه آینده‌نگران عزیز سفر کرده برای همه مسئولان کشور به یادگار مانده است. لذا در این روزهای تلخ وداع، بر خود فرض می‌دانم بار دیگر بیانات و رهنمودهای ایشان را مرور کنم؛ برای آنکه به‌ویژه برای نسل نوجوان و جوان یادآوری شود آن رهبر فرزانه، چه نگاه ژرف، ایجابی و تمدن‌سازانه‌ای به فناوری‌های نوین، هوش مصنوعی، اقتصاد دیجیتال و بخصوص فضای مجازی داشتند؛ نگاهی که امروز بیش از هر زمان دیگری می‌تواند چراغ راه آینده ایران عزیزمان باشد.

فضای مجازی عرصه‌ای برای ساخت آینده
«اگر من امروز رهبر انقلاب نبودم، حتماً

رئیس فضای مجازی کشور می‌شدم.» این جمله ماندگار، یکی از عمیق‌ترین و راهبردی‌ترین بیانات امام شهید درباره فضای مجازی است که گواهی محکم بر این بود که ایشان فضای مجازی را یکی از مهم‌ترین میدان‌های شکل‌دهنده آینده کشور و جهان می‌دانستند.

در منظومه فکری معظم‌له، فضای مجازی صرفاً مجموعه‌ای از ابزارهای ارتباطی یا فناورانه نبود؛ بلکه عرصه‌ای بود که فرهنگ، اقتصاد، آموزش، امنیت، علم، رسانه، افکارعمومی و سبک زندگی ملت‌ها متأثر از آن شکل می‌گیرد و آینده کشورها بیش از گذشته در آن رقم می‌خورد. از همین منظر بود که بارها بر اهمیت این حوزه در تراز مسائل اساسی کشور تأکید می‌کردند و آن را بخشی از زیست حقیقی جامعه می‌دانستند. اگر امروز با نگاهی عمیق‌تر به این رهنمودها بنگریم، درمی‌یابیم که آن جمله تاریخی، بیش از آنکه درباره یک جایگاه مدیریتی باشد، درباره اولویت یک میدان سرنوشت‌ساز بود؛ میدانی که آینده ایران اسلامی در گرو حکمرانی هوشمندانه، بهره‌گیری صحیح از ظرفیت‌های آن و صیانت از منافع ملی در این عرصه خواهد بود.

حکمرانی هوشمند

جوهره رهنمودهای رهبر شهید
در بخش مهمی از بیانات و فرامین آن فقیه حکیم، فضای مجازی با نگاهی فرصت‌محور مورد توجه قرار گرفته است. ایشان همواره

گزارش



هم وداع هم تجلی انسجام ملی

گروه سیاسی / ایرانیان اگر چه برای وداع با رهبر شهید خود به مراسم عزادارانه اما این صرفاً یک عزاداری ساده همراه با گریه و مویه نیست. آنان از سراسر کشور خود را به تهران و مصلی رسانده‌اند تا همزمان با وداع با آیت‌الله خامنه‌ای که عمری را در راه اعتلای انقلاب و ایران اسلامی گذراند و شهید شد، تجدید عهد کنند که همچون گذشته بر سر عهد و پیمان خود با آرمان‌های رهبر شهید هستند. در حقیقت این یک مراسم عزاداری آگاهانه و معرفت‌اندیشانه است. همزمان که احساسات خود را بروز می‌دهند و اشک گونه‌هایشان جاری است، به این مهم هم

اهتمام دارند که آمده‌اند تا قیام بزرگی از تجلی وحدت و انسجام ملی را ترسیم و این پیام‌ها را مخاپره کنند که قدرندان مجاهدت‌های رهبر شهیدشان هستند، حضور در میدان را با شهادت آیت‌الله خامنه‌ای پایان یافته نمی‌دانند بلکه آن را رسالتی دائمی می‌دانند تا به اقتضای شرایط برای ایران و نظام جمهوری اسلامی به هر شیوه لازمی ایفای نقش کنند. در حقیقت این حماسه حضور، همان گونه که پیش از این هم انتظار می‌رفت و خیلی از کارشناسان و تحلیلگران مطرح کرده بودند، تبدیل به سرمایه اجتماعی بزرگی برای نظام و مسئولان کشور شده است تا هم



قدردانی عمومی نسبت به مجاهدت‌ها و صبوری‌ها

محمدحسین صفارهرندی
عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام

حضور گسترده و متنوع مردم در چنین مراسمی را نباید صرفاً در چارچوب یک آیین سوگوارانه تحلیل کرد. این رخداد، واجد ابعاد اجتماعی، فرهنگی و سیاسی گسترده‌ای است و ظرفیت بالایی برای بازتولید سرمایه اجتماعی و تقویت همبستگی ملی دارد. به‌ویژه در شرایطی که کشور همچنان با تهدیدها و فشارهای خارجی مواجه است، چنین حضوری می‌تواند تصویری متفاوت از نسبت جامعه با رهبری و نظام سیاسی به افکار عمومی داخلی و بین‌المللی ارائه دهد. طی سال‌های گذشته، برخی رسانه‌های معاند با روایت‌هایی نادرست تلاش کردند رابطه میان مردم و رهبری را به عنوان رابطه‌ای مثبتی برشکاف و تقابیل بازنمایی کنند، اما حضور گسترده مردم در این مراسم، پاسخی عملی و عینی به این روایت‌هاست. مردمی که با وجود گرمای شدید تابستان، دشواری‌های اقتصادی و شرایط خاص کشور در این مراسم شرکت می‌کنند، در عمل نشان می‌دهند پیوندهای هویتی، اعتقادی و عاطفی میان جامعه و رهبری بسیار عمیق‌تر از آن است که بتوان آن را با تحلیل‌های رسانه‌ای یا محاسبات صرف سیاسی تبیین کرد. از منظر جامعه‌شناسی سیاسی، آیین‌های ملی و مذهبی زمانی به سرمایه اجتماعی تبدیل می‌شوند که بتوانند احساس تعلق، اعتماد عمومی و همبستگی اجتماعی را تقویت کنند. این مراسم نیز دقیقاً از همین ظرفیت برخوردار است؛ زیرا افراد با سلاطین و گرایش‌های مختلف اجتماعی و سیاسی، حول یک نماد مشترک گرد هم می‌آیند و تصویری از همگرایی ملی را به نمایش می‌گذارند. در چنین شرایطی، اصل حضور مردم، بزرگ‌ترین سرمایه اجتماعی است؛ سرمایه‌ای که ضمن افزایش انسجام داخلی، پیام ثبات، اقتدار و انسجام جمهوری اسلامی را به بیرون از مرزها منتقل می‌کند.

این مراسم، فرصت مناسبی برای بازخوانی کارنامه چند دهه مدیریت و هدایت کشور نیز به شمار می‌رود. بخش قابل توجهی از دستاوردهای جمهوری اسلامی در حوزه‌های علمی، فناوری، دفاعی، منطقه‌ای و بین‌المللی، حاصل استمرار و پایداری است که طی بیش از سه دهه دنبال شده است. تثبیت جایگاه ایران به عنوان یکی از قدرت‌های اثرگذار منطقه و بازیگری مهم در معادلات بین‌المللی، بدون توجه به این مسیر قابل تحلیل نیست. از این منظر، مراسم تشییع می‌تواند نمادی از قدردانی عمومی نسبت به مجاهدت‌ها، صبوری‌ها و هزینه‌هایی باشد که برای حفظ استقلال، امنیت و پیشرفت کشور پرداخت شده است. مهم‌ترین شرط تبدیل این حضور گسترده به یک فرصت ملی، پرهیز از هرگونه بهره‌برداری جناحی و سیاسی است. سرمایه اجتماعی زمانی تقویت می‌شود که همه اقشار جامعه احساس کنند این مراسم متعلق به همه ملت ایران است و نه ابزاری برای رقابت‌های سیاسی یا منافع گروهی. هرگونه تلاش برای مصادره این اجتماع عظیم به سود جریان‌ها یا سلیقه‌های خاص، از ظرفیت وحدت‌آفرین آن خواهد کاست.

زندگی و زمانه رهبر کبیر در آیین اندیشه رهبر شهید

احمدمازی
نماینده ادوار مجلس

تشییع پیکر مطهر رهبر شهید یکی از نشانه‌های قدرشناسی ملت ایران از رهبری است که برای استقلال و حفظ ایران عزیز تا پای جان ایستاده و بر سر تسلیم نکرده کشور و ملت ایران که همه بیگانگان به شهادت رسیده است. انتظار این است که این مراسم با حضور معنادر قشرهای مختلف مردم ایران برگزار شود و آرامش، امنیت و نظم حاکم بر این مراسم همراه با انسجام و وحدت حاکم بر آن پیام مهمی برای جهانیان دارد و آن ایستادگی مردم ایران بر سر استقلال، آزادی، پیشرفت و تعالی کشور در چارچوب ارزش‌های اسلامی، آرمان‌های رهبر کبیر و رهبر شهید است.

رهبر همه ایرانیان

احمدبخشایش
عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی

از نگاه من، تشییع رهبران و شخصیت‌های بزرگ، با بدرقه و وداع افراد عادی تفاوتی اساسی دارد. معمولاً ورود افراد با استقبال و شور عمومی همراه است. اما هنگام خروج از صحنه زندگی، به دلایل مختلف، نوعی پراکندگی و تفرقه در جامعه دیده می‌شود. با این حال، هنگامی که یک رهبر یا شخصیت برجسته به شهادت می‌رسد، احترام به جایگاه، ارزش‌ها و شخصیت او سبب می‌شود جمعیت گسترده‌ای برای بدرقه‌اش گرد هم آیند. همان‌گونه که در مراسم تشییع شهید سلیمانی شاهد حضور گسترده مردم بودیم، چنین مراسمی پیش از هر چیزی می‌تواند موجب تقویت انسجام و وحدت ملی شود. در شرایطی که جامعه با برخی شکاف‌های سیاسی و اجتماعی روبه‌روست برگزاری یک تشییع باشکوه می‌تواند این شکاف‌ها را تا حد زیادی کاهش دهد و زمینه همگرایی بیشتری را فراهم سازد. هنگامی که میلیون‌ها نفر، فارغ از اختلاف‌نظرهای سیاسی و جناحی، در یک مراسم مشترک حضور پیدا می‌کنند، پیام اصلی آن، وحدت و همبستگی ملی است. از نگاه من، هر اندازه مسائل داخلی بهتر مدیریت و اختلافات درون جامعه کمتر شود، آثار آن در عرصه روابط بین‌الملل نیز آشکارتر خواهد بود. در سال‌های گذشته، مخالفان جمهوری اسلامی در خارج از کشور همواره تلاش کرده‌اند تصویری از گسست اجتماعی و نارضایتی فراگیر در ایران ارائه دهند و روایت‌های مختلفی درباره رویدادهای داخلی منتشر کنند. این حضور گسترده می‌تواند برای ناظران خارجی، ام‌ع‌ا سیاستمداران، تحلیلگران، نهادهای اطلاعاتی و خبرنگاران، این پیام را داشته باشد که بخشی از تبلیغات و تحلیل‌هایی که درباره وضعیت داخلی ایران مطرح شده، با واقعیت‌های میدانی فاصله دارد.

درباره برگزاری مراسم در عراق نیز معتقدم این اقدام دارای پیام‌های سیاسی، فرهنگی و مذهبی مهمی است. همان‌گونه که پس از شهادت شهید سلیمانی، نخستین مراسم تشییع در عراق برگزار شد و مردم این کشور استقبال باشکوهی از آن به عمل آوردند، برگزاری مراسم مشابه برای رهبر شهید نیز می‌تواند در همان چارچوب قابل تحلیل باشد. از یک سو، حضور پیکر ایشان در شهرهای مقدس نیز نماد پیوندی است که در مجموع، بیانگر تلاش برای تقویت همبستگی ملی در کنار حفظ ارزش‌های دینی بود.

حضور مردم، سرمایه اجتماعی بزرگ برای اعتلای بیشتر ایران

محموداعظمی
رئیس دفتر رئیس‌جمهوری در دولت دوازدهم

حضور گسترده مردم در مراسم وداع و تشییع رهبر شهید، تداوم همان حمایت مردمی است که طی خیان‌ها شاهد آن بودیم. هر اندازه انسجام داخلی و نوع نگاه دیگر کشورها نیز محسوس‌تر خواهد بود. از سوی دیگر، رهبر شهید بیش از سه دهه در جایگاه رهبری حضور داشت و طبیعی است که سخنان، مواضع و دیدگاه‌های ایشان برای بخش قابل توجهی از مردم شناخته شده باشد. به همین دلیل، خبر شهادت ایشان، به‌ویژه اگر همراه با شهادت اعضای خانواده باشد، احساسات عمومی را بیش از پیش تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. هنگامی که مردم با چنین حادثه‌ای روبه‌رو شوند، احساس اندوه و همدردی آنان افزایش یافته و همین احساسات می‌تواند حضور گسترده‌تری را در مراسم تشییع رقم بزند. از نگاه من، شهادت همزمان رهبر و اعضای خانواده، رخدادی کم‌سابقه و حتی بی‌سابقه در تاریخ معاصر ایران به شمار می‌رود و به همین دلیل، بار عاطفی آن بسیار سنگین خواهد بود.

نکته دیگری که باید مورد توجه قرار گیرد، فضای رسانه‌ای خارج از کشور است. در مقاطعی، ادعاهایی درباره محل حضور رهبر جمهوری اسلامی یا سفر ایشان به کشورهای مختلف مطرح می‌شد اما وقتی مشخص شد که ایشان از همان ساعات نخست فاقد اعتبار بود و با هدف تضعیف جمهوری اسلامی منتشر شده است. در نتیجه، هواداران نظام این موضوع را دلیلی بر نادرستی آن تبلیغات می‌دانند. از جمله ادعاهای دیگر مخالفان تفکیک میان ایران و جمهوری اسلامی و برجسته کردن دوگانه ایرانی-اسلامی است. رهبر شهید اما میان هویت ایرانی و اسلامی توازن برقرار کردند. این رویکرد را می‌توان در دیدارهای متعدد با هنرمندان، نویسندگان، شاعران، اصحاب فرهنگ و همچنین نمایندگان اقلیت‌های دینی مشاهده کرد. چنان‌که برخی از آنان نیز تصریح می‌کردند که رهبر جمهوری اسلامی رهبر همه ایرانیان است. این رویکرد تلاشی آگاهانه برای ایجاد تعادل میان هویت ملی و هویت دینی نیز پرهیز از افراط و تفریط بود؛ رویکردی که در دیدارهای فرهنگی، شب‌های شعر، نشست‌های هنری و جلسات ماه رمضان با اقشار مختلف جامعه نیز نمود پیدا می‌کرد و در مجموع، بیانگر تلاش برای تقویت همبستگی ملی در کنار حفظ ارزش‌های دینی بود.

تجربه دو جنگ تحمیلی اخیر نیز به روشنی نشان داد هرگاه مردم و مسئولان در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند، کشور با عزت و اقتدار از دشوارترین مقاطع عبور کرده است. برگزاری باشکوه و منظم آیین وداع با رهبر شهید، خود نمادی از اقتدار، همبستگی و بلوغ اجتماعی ملت ایران است. آنچه باید در برابر دیدگان افکار عمومی جهان جلوه‌گر شود، عظمت ملت ایران، انسجام ملی و تجلی پیوند و دل‌بستگی عمیق ایرانیان با رهبر شهیدشان است.

برای زندگی مؤمنانه است. ویژگی دیگر آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای سابقه متمدن مبارزه با استبداد داخلی و سلطه خارجی می‌باشد، سال‌ها زندان، هدف ترور ناجوانمردانه در ششم تیر ماه ۱۳۶۰ قرار گرفتن و بالاخره شهادت در راه دفاع از آیین و نظامی و دست شقی‌ترین افراد شاهد این مدعاست. ویژگی‌های دیگر آیت‌الله خامنه‌ای نقش ایشان در تأسیس نهادهای جمهوری اسلامی ایران از شورای انقلاب، تهیه قانون اساسی، استقرار نهادهای منبث از آن و همراهی با بنیانگذار انقلاب در شکل‌گیری ایران، ۴ دهه مدیریت و هدایت کشور در چارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است. همچنین از نقش ایشان در تربیت نیروهای سازگار با اندیشه امام(ره) و نگرش ایشان به

مجموعه‌ای

در وضعیت کنونی، در برابر دشمنانی همچون آمریکا و رژیم صهیونیستی که خوی توسعه‌طلبانه دارند، مهم‌ترین سرمایه و مؤثرترین ابزار بازدارنده ما، وحدت، انسجام و همبستگی ملی است. از آیت‌الله خامنه‌ای میراث ارزشمندی به یادگار مانده است اما شاید برجسته‌ترین وجه آن را بتوان بسیاری از فرماندهان، نیروهای جایگزین بدون جست‌وجو کرد؛ فرهنگی که به‌تدریج در لایه‌های مختلف جامعه، از مردم تا سطوح مدیریتی، ریشه دوانده و به یک هویت پایدار بدل شده است. در کنار این دستاورد، یکی از نتایج ساختاری مهم نیز شکل‌گیری و تقویت نهادهای کشور است. در دوران جنگ دیدیم که با وجود شهادت رهبری و بسیاری از فرماندهان، نیروهای جایگزین بدون وقفه همان مسیر را ادامه دادند، در عرصه مدیریتی و سیاسی نیز مسئولان به‌خوبی وظایف خود را می‌شناسند و روند اداره کشور دچار وقفه نمی‌شود. امروز جمهوری اسلامی ایران به سطح قابل توجهی از بلوغ و پختگی در عرصه حکمرانی و مدیریت کشور دست یافته است. این بلوغ، حاصل سال‌ها تجربه در مواجهه با بحران‌ها و عبور از مقاطع حساس تاریخی است.

با این همه، تجربه جنگ و دگرگونی‌های ناشی از آن، اقتضا می‌کند که ادامه مسیر، ضمن پایبندی کامل به اصول بنیادین دینی، ملی و ارزش‌های جمهوری اسلامی ایران، با بازنگری در برخی سیاست‌ها، رویکردها و شیوه‌های گذشته همراه باشد. زیرا تداوم برخی رویه‌های پیشین، در پرتو شرایط جدید، اقتضات جدید، بازنگری و اصلاح برخی الزامات تأمین منافع پیش روی کشور نخواهد بود. اقتضات جدید، بازنگری و اصلاح برخی الزامات تأمین منافع پیش روی کشور نخواهد بود. اقتضات جدید، بازنگری و اصلاح برخی الزامات تأمین منافع پیش روی کشور نخواهد بود. اقتضات جدید، بازنگری و اصلاح برخی الزامات تأمین منافع پیش روی کشور نخواهد بود.

تجربه‌های تاریخی، به‌ویژه در مقاطع بحران و جنگ، گواه آن است که هرچه نظام تصمیم‌گیری با واقعیت‌های پویای جامعه، تحولات محیطی و نیازهای نوظهور با حفظ اصول بنیادین همسوتر باشد، ظرفیت عبور کم‌هزینه‌تر، اثربخش‌تر و پایدارتر از چالش‌ها افزایش می‌یابد. حضور معنادر مردم در بدرقه و تشییع رهبر شهید سرمایه اجتماعی بزرگی است که می‌تواند در مسیر اعتلای بیشتر ایران که دغدغه همیشگی آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای بود به مدد آید.

موجود درباره معرفی زندگی و زمانه و خدمات امام خمینی (ره) است. همچنین مدیریت و هدایت کشور در مسیر استقلال از خدمات ارزشمند آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای است که علی‌رغم انواع تهدیدها، تحریم‌ها و عملیات روانی و بالاخره حمله مستقیم آمریکا و رژیم صهیونیستی، همگان شاهدند که ایران سربلند و سرفراز در مقابل این همه آسیب‌چون سربو ایستاده و از آن‌ها نمی‌افتد. حقیقتاً وظیفه ما و همه اردنمندان بر ارادت ویژه ایشان به امام خمینی (ره) و حتی منتقدان منصف ایشان این است که از آن بزرگوار به روش شایسته‌ای قدردانی و بدرقه صورت گیرد تا در جوار ملکوتی حضرت امام علی بن موسی الرضا علیه السلام آرام بگیرد. رحمت و درود خداوند بر آن شهید و همه شهیدان سرفراز ایران اسلامی و تمامی شهدای حق و حقیقت و آزادی در همه عصرها و نسل‌ها.

عمده مطالبات رانندگان محترم (در موضوع بیمه و لاستیک و سهمیه سوخت و...) متوجه وزارت راه و شهرسازی نبود اما به عنوان متولی پاسخگویی به این قشر خدوم، وارد عمل شده و طی نشست‌های متعددی مستمع دردهایشان شدیم تا مبرمی از جنس مهر برایشان بیابیم. خوشبختانه این همدردی کارگزاران و این نگاه گزارشات نهادهای اطلاعاتی و امنیتی این ابتکار، چرخه هم‌افزایی اعتراضات و گسترش دامنه آن، به دیگر مشاغل و صنایع را شکست. البته که رانندگان عزیز فراتر از آن، این همدردی را ارج نهادند. کما اینکه در فاصله یکی دو هفته از آن ایام که جنگ ۱۲ روزه علیه جمهوری اسلامی ایران رقم خورد؛ در صفوف به هم پیوسته حماسه ۲۶ آذر سال ۱۳۶۲ را تکرار کرده و در تخلیه و توزیع کالاها و اساسی از بنادر کشور، رکورد شکستند. حماسه‌ای که در جنگ ۴۰ روزه نیز بار دیگر رقم خورد و حمایت و صلابت رانندگان در دفاع از ایران اسلامی را به رخ جهانیان کشید. پس از جنگ ۱۲ روزه از حضور پرشور، حماسی و همدلانه رانندگان تجلیل کردم. آنجا بود که آنان تقاضای دیدار با امام دل‌ها را مطرح کردند. مطالبه‌ای که

قطار در چهارپا هر نیز شنیده خواهد شد. آرزو داشتم رهبر شهید، در حیات بودند و به چشم خود می‌دیدند که این آرزو در دولت «وفاق ملی» و در سایه اعتماد ایشان به یک زن برای وزارت در زیربنایی‌ترین وزارتخانه کشور، محقق شده است. **دوم:** اقتضای مختلفی در ایام مختلف سال به شوق دیدار و وصال حضرت آقا نائل می‌آمدند. فرهنگیان، پرستاران، ورزشکاران، هنرمندان، کشاورزان و... از سال گذشته که شاهد چندین حماسه‌آفرینی رانندگان در دفاع از کیان ایران عزیز بودیم، به عنوان وزیر راه و شهرسازی بسیار راغب بودم که بنابه تقاضا، ایجاز تمایل و اصرار مکرر رانندگان، دیداری هم‌میان آنان با رهبر شهید برگزار شود که متأسفانه نشد. افکار عمومی به یاد دارد که خردادماه سال گذشته فراخوان‌های متعددی در خارج از کشور به‌ویژه از سوی منافقین و سلطنت‌طلبان برای تشویق رانندگان و کامیون‌رانان به اعتصاب و اعتراض منتشر شد. اعتراضاتی که اگرهم بعضاً به آن لیبک گفتند به دلیل مشکلات شغلی و معیشتی بود. اگرچه

در دولت‌های مختلف تأکید نمودند که حاکمی از نگاه استراتژیک ایشان به این کریدور ریلی به عنوان بخشی از کریدور شمال-جنوب بود. سال‌ها برای تکمیل حلقه‌های مفقوده کریدور شرق-غرب و شمال-جنوب متناسب با فرامین و رهنمودهای ایشان بر اهمیت لجستیک و ظرفیت‌های حمل و نقل کالا و مسافر در گذر از ایران اسلامی تلاش شد. دولت چهاردهم با فرامین و توجهی که به اجرای منویات مقام معظم رهبری داشت، در این زمینه تلاش مضاعفی نمود. شخص رئیس‌جمهوری برای تأمین منابع مالی اتمام این قطعه از کریدور در جنوبی‌ترین نقطه ایران که آب‌های آزاد و بنادر کشور را به همسایگان شمالی و سپس اروپا متصل خواهد کرد؛ بسیار کوشید و نتیجه آن شد که با گذشت بیش از ۲۰ سال از چشم‌اندازی که رهبری تصویر نموده بودند، این رویا محقق شد. اگر جنگ آمریکایی-صهیونی ۴۰ روزه رقم نخورده بود راه آهن چهارپا‌زاهدان اواخر سال گذشته به اتمام رسیده و اوایل امسال به بهره‌برداری می‌رسید. اگرچه این جنگ، بهره‌برداری از این خط ریلی را اندکی به تأخیر انداخته اما به زودی صدای سوت

سه حسرتی که به دلم ماند

فرزانه صادقی
وزیر راه و شهرسازی

به عنوان فرزند شهیدی که روزهای فراغ از آغوش پرمهر پدر را در سایه الطاف پدرانه امام راحل و رهبر شهید به خانواده شهدا گذراند، هنوز هم شهادت پدر ملت در سایه‌ای نمی‌گذرد؛ سیمای پدرانه‌اش نه بر دیدار که بر لحن جان‌فردان شهدا نقش بسته و صدای آهنگین و پرلپاستش همچنان در گوش‌هایمان می‌پیچد؛ با همان لحن پدرانه‌ای که همیشه به ما فرزندان ایران اطمینان می‌داد فردایی روشن در راه است...

به عنوان یکی از اعضای کابینه که حضورم در رأس زیربنایی‌ترین وزارتخانه دولت را مبرهنه اعتماد خالصه ایشان به «بیک بزک» و تأکید مکرر ایشان به «تخص» و «تعهد» فارغ از جنسیت افراد می‌دانم؛ سه حسرت به دلم ماند که ای کاش در حیات ایشان رقم می‌خورد.

اول: از اسفند سال ۱۳۸۱ که ایشان به چهارپا سفری داشتند؛ بارها در مورد اهمیت راه آهن چهارپا‌زاهدان

یادداشت



وداع ملی

پاسداشت مجاهدت

سیاسی



کتابخانه
۱۴ تیر ۱۴۰۵
۲۰ محرم ۱۴۴۸

سال
سی و دوم
شماره ۹۰۶۴

Sunday
5 July 2026
Vol 9064

مسافر جاده اندوه و حماسه

از کرانه‌های سبز مازندران تا اقیانوس بی‌کران تهران و طوفان آرام خراسان، روایت یک گزارش رسمی از آیین تشییع

از خزر تا خورشید

سفرنامه «ایران» از شالیزارهای شمال تا رواق‌های مشهدالرضا



عکس: رضا معطران / ایران



گاهی جاده‌ها پیش از آن که به مقصد برسند، تن را تمام می‌کنند؛ اما این بار، مقصد بود که جاده را در خودش بلعید. روایت این سفر، از جایی میان شالیزارهای باران خورده شمال آغاز شد؛ جایی که خبر مثل آوار بر سر تانیه‌ها فرو ریخت و بیش از ۳۰۰ کیلومتر در پیش بود تا چند ساعت وداع در ذهن مسافران سفر چک شود.

گزارش پیش رو، روایت مسافری است که جاده فیروزکوه را با حق هق اتوبوس‌ها و سواری‌های کرایه‌ای تا چهارراه تهرانپارس و قلب پایتخت گزرده، ساعت سه و ۳۰ دقیقه با بادامدانه شنبه ۱۳ تیرماه پشت درب شماره ۸ مصلای امام خمینی (ره) بند پونین هایش را محکم کرده و حالا وسط اقیانوسی از آدم‌ها ایستاده تا تاریخ را همان طور که هست، بدون لکت و تشریفات، روی کاغذ ببازد.

کیلومترشمار روز اول

مسیر: ساری، فیروزکوه، شرق تهران، مترو، پیاده‌روی تا مصلی.

مسافت: حدود ۲۹۰ کیلومتر.

زمان سفر: نزدیک به ۱۳ ساعت.

پایه‌روی: حدود ۵ کیلومتر.

صندلی جلو نشستم. ماشین که دنده عقب گرفت و وارد جاده شد، پیرمرد آینه را چرخاند و گفت: «از فیروزکوه می‌رم، اما امشب تهران قیامته ریکا (پسر)».

جایی که ماشین‌ها متوقف شدند و دل‌ها راه افتادند

پیش بینی راننده در سیاهی جاده فیروزکوه به واقعیت تبدیل شد. از حوالی سوادکوه و گدوک، چراغ‌های قرمز ممتد خودروها مثل رشته‌ای از خون سرخ، دامنه تاریک کوهستان را پوشانده بود. اتوبوس‌های حامل زائران با پلاک‌های مختلف و خودروهای شخصی که پشت شیشه همه‌شان بدون استیکنا یک تصویر مشترک چسبیده شده بود، سپر به سپر ایستاده بودند.

مسافر صندلی عقب، مردی ۶۰ ساله بود که دست پسر نوجوانش را گرفته بود. بی مقدمه گفت: «پسرم، آرش، بار اولش هست که تهران رو می‌بینه. دلم می‌خواست حتماً توی این روز تهران باشه. این شلوغی، بخشی از شناسنامه بچه من هست. نباید پای تلویزیون می‌نشست.» راننده پایش را روی کلاچ جابه‌جا کرد و گفت: «چهل سال تو این جاده‌ام، اما هیچ وقت این ساعت شب، فیروزکوه را این طور ندیده بودم. این‌ها مسافر تفریحی نیستند؛ همه دارند می‌روند سر یک قرار بزرگ.» دفترچه را باز کرد تا بنویسم، راننده نگاهی انداخت و گفت: «دخترم، بعضی چیزها را اگر همان لحظه بنویسی، کوچک میشن؛ بذار به کم توی دل بمون.» راست می‌گفت، کلمات که ته‌نشین می‌شوند صداقت بیشتری پیدا می‌کنند.

وقتی جاده بلیت نداشت، اما راه داشت

ترمیمال ساری، ساعت هشت شب جمعه، شبیه به ایستگاه آخردنیا بود. هیچ بلتینی به سمت تهران وجود نداشت. روی شیشه‌ها بچه‌ها با مازنگ مشکی نوشته بودند: «تا دوشنبه بلیت موجود نیست.» قطار محلی شمال هم در همان تانیه‌های اول بازگشایی سایت، مثل یک رویای دست‌نیافتنی غیب شده بود. آدم‌ها با کوله‌پشتی و پیراهن‌های مشکی، سرگردان روی سکوهای ایستگاه بودند. پسر جوانی که پشت تلفن با لهجه مازنی داد می‌زد: «داداش، پیاده هم شده خودم رو می‌رسونم»، کلید فهم این سفر بود. یک پژو ۴۰۵ نفرهای با پلاک ایران-۶۲۰ کمی جلوتر از خروجی ترمیمال ترمز کرد. راننده، پیرمردی سپیدمو، سرش را بیرون آورد: «دو نفر تهران... حرکت.» من نافر آن بودم که روی

در خیابان قنبرزاده رسید، عقربه ساعت ۳:۳۰، با بادار را نشان می‌داد. هوا هنوز دم کرده شب بود، اما نسیمی خنک از سمت سامانه‌های مه‌پاش مردمی که تازه راه‌اندازی شده بودند، صورت‌ها را نوازش می‌داد؛ مه‌پاش‌هایی که بعداً فهمیدم محیط را تا پنج درجه کاهش می‌دهند تا زائران در ظل گرمای تیرماه دوام بیاورند. تاریک‌روشن محوطه پر بود از بوی اسپند و صدای زمزمه صلوات و زیارت عاشورا که مثل لالایی جزینی در گوشه گوشه مصلی می‌پیچید. صف گیت‌های بارزسی طولانی اما صبر بود. روی زمین، در گوشه‌ای از محوطه درب ۱۹، زوج سالمندی را دیدم که خستگی راه طولانی در چهره‌شان دیده بود. جلورفتیم. نامش «اسکینه فامیلی» بود و همسرش «عباس عزیزنژاد». روی ژولویی نشسته بودند و صبحانه ساده‌ای را که از موبک مردمی گرفته بودند، می‌خوردند. مش عباس با دستانی لرزان لقمه را تعارف کرد و گفت: «از دم‌های صبح راه افتادیم تا قبل از شلوغی برسیم. دل مان طاقت نداشت توی خانه بمانیم. دیر می‌کردیم چشم مون به تابتوت نمی‌خورد؛ خواستیم همین اول صبح اینجا باشیم.»

طوفان اشارت در خیمه امت

ساعت ۶ صبح، با تلاوت آیات قرآن کریم، مراسم وداع به طور رسمی آغاز شد. هنوز آفتاب خیابان قنبرزاده را باید با ریتم شهر هماهنگ می‌شدم. خودروها حذف شده بودند؛ زیر پوست شهر، در واکن‌های سرخ و خاکستری مترو، مردمی که خودروهای شان را رها کرده بودند تا پیوندی نادیدنی بسازند موج می‌زدند. در ایستگاه متروی نونین، صندلی‌های سگوها را جمع کرده بودند تا فضای بیشتری برای تردد این سیل خروشان فراهم شود. وقتی پاهای خسته‌ام به درب شماره ۸ مصلی

که از فرستگ‌ها دورتر، راه‌ها را به هم گره می‌زنند. گزارشگر «ایران» از امروز تا پنجشنبه، در

مردم با برخاستن خود و ادای احترام به سرود، بار دیگر بر همبستگی و وحدت ملی تأکید کردند. اشک، بی آن که از صلابت نگاه‌ها بکاهد، روی گونه‌ها می‌دوید.

پس از سرود، موج جمعیت یک‌صدا شعاری را سر داد که سال‌ها در حسینیه امام خمینی (ره) قبل از ورود رهبر انقلاب طنین انداز می‌شد: «ای پسر فاطمه منتظر تو هستیم...» این بار اما انتظار برای ورود پیگر رهبر شهید و خانواده ایشان به جایگاه ویژه بود. وقتی پیکرها در جایگاه قرار گرفتند، فریاد «عز عزاست امروز، روز عزاست امروز / خانه‌های شهید، پیش خداست امروز» مصلی را به لرزه درآورد.

نگاه‌ها به بنر پشت جایگاه ویژه دوخته شد؛ جایی که آیه ۴۶ سوره «سبأ» با خطی خوش نوشته شده بود: «قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُمْ بِوَأجِدَ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَشْفَىٰ ذُرِّيَّتِي» (بگو شما را به یک چیز نصیحت می‌کنم و آن اینکه یک نفر یک نفریاد و نفر دو نفر برای خدا قیام کنید).

خانمی روی ویلچر، در چند متری جایگاه، جغیه‌ای به کردن انداخته بود و پوستر رهبر شهید را به قلبش فشرد؛ بدون اینکه شعار بدهد، فقط به تابتوت زلز زده بود و آرام و بی صدا اشک می‌ریخت. حضور چشمگیر و خیره‌کننده

لرستانی‌ها حال و هوای دیگری به پا کردند؛ شبستان بوی خاک گرفت. آن‌ها با لباس عزای حسینی (ع) و چوقاهای سنتی وارد شدند. به سبک قدیم و اصیل خودشان، لباس‌ها و شانه‌های شان را گلی و خاکی کرده بودند؛ نماد بالاترین حد سوگ در فرهنگ لک و لر. با همان لهجه سوزناک و مادری‌شان نوحه‌خوانی می‌کردند و صدای سنگین سینه‌زنی‌شان در فضای بلند شبستان می‌پیچید

می‌برد؛ از جاده‌های سبز مازندران تا صحن‌های سیاهپوش مشهدالرضا، هم‌سفر ما باشید.

از غرفه عهدنامه تا مردی با مه‌پاش گلاب

سراسر خیابان علی‌اکبری و مطهری را موبک‌ها گرفته بودند. از هر طرف صدایی می‌آمد. مردی پشت بلندگو با لهجه‌ای گرم داد می‌زد: «زائران عزیز، برای صرف ناهار و استراحت بفرمایید داخل زائرشهرها» خستگی ناشی از پیاده‌روی طولانی و علائم اولیه گرم‌زدگی، علت اصلی مراجعه مردم به اوزن‌انس بود؛ برای همین هم هزاران دستگاه آمبولانس و خودروی نجات اهال احمر در محدوده مستقر شده بودند تا کسی زمین نخورد یا آسیبی نبیند. وسط این هرم گرما، مردی را دیدم که کپسول مه‌پاش روی دوشش بسته بود، اما به جای آب، گلاب ناب در هوا پخش می‌کرد. عابران چند ثانیه‌ای زیر باران خنک و معطر او می‌ایستادند، نفس عمیقی می‌کشیدند و با گفتن «عالی» ادامه می‌دادند. یکی دیگر از جلوه‌های شاخص مسیر، غرفه «امضای عهدنامه با امام شهید و رهبر انقلاب» بود. صفی طولانی از نوجوانان و جوانان شکل گرفته بود؛ ورقه‌ها را روی دست یا پشت شانهد دیگر می‌گذاشتند، جمله‌ای می‌نوشتند و امضا می‌کردند؛ عهده‌ای برای ایستادن، برای همان شعار «باید برخاست». حتی خادمان حرم امام رضاع (نیز با آن لباس‌های مشخص



با تون سیاهپوش با جغیه‌های گره خورده بر گردن، یکی از شاخص‌ترین جلوه‌های این بدرقه تاریخی بود.

روایت‌انهایی که در سایه می‌دوند

وقتی از اتمسفر شبستان بیرون می‌آیی و به سمت خیابان‌های منتهی به مصلی، به‌ویژه خیابان مطهری و علی‌اکبری قدم می‌گذاری، حال و هوای همیشگی را نمی‌بینی. مفازهای بسته‌اند اما پیاده‌روها زنده‌اند. اولین چیزی که در طول مسیر چشم را می‌نواخت، تمیزی عجیب خیابان‌ها با وجود حضور جمعیت بسیار بود.

ماداغ دیده‌ایم ولی ایستاده‌ایم

به ساعت‌های پایانی عصر شنبه ۱۳ تیرماه نزدیک می‌شویم. طبق اعلام رسمی، مراسم وداع با پیکر مطهر تا شامگاه فردا یکشنبه ۱۴ تیر در همین مصلای بزرگ ادامه خواهد داشت. مردم سراسر کشور که هنوز در جاده‌ها هستند، برسند. یکشنبه، ساعت ۸ صبح، قرار است اقامه نماز بر پیکر مطهر رهبر شهید و اعضای خانواده‌شان در همین مکان برگزار شود و روز دوشنبه ۱۵ تیرماه، پایتخت شاهد ابرتشییع قرن خواهد بود.

ایستگاه امروز

جایی که بیشترین مکت را کردم: کنار مردی که گفت زائران را واکن می‌زد. نه او عکس گرفتم. نه نامش را پرسیدم. فقط چند دقیقه نگاهش کردم. بعضی آدم‌ها، بی آنکه بدانند، تعریف تازه‌ای از خدمت می‌نویند.

تهران است. مردی که در کودکی اش بردوش پدر به دیدار رهبر رفته بود، حالا خودش پدر شده و کودکش را بغل کرده و در صف ایستاده است. این سفرنامه در منزل اول ثبت کرد که جغرافیا، سن و لهجه در برابر یک غم بزرگ، رنگ می‌بازند. از لرزنان‌های گل‌مالی شده شبستان تا پاکبانان خسته خیابان علی‌اکبری، همه در یک کلمه خلاصه شده‌اند: «وفاداری»

پرچم سرخ «با لئارات الحسین (ع)» بر فراز کنبد مصلی زیر باد عصرگاهی تکان می‌خورد. تهران دیشب بلیت نداشت، اما امروز به اندازه تمام ایران سایه‌بان و آستان داشت. بند پونین‌هایم را برای فردایی سنگین‌تر، محکم‌تر می‌کنم. فردا، جاده روایت دیگری خواهد داشت...



روایت همسفری

داستان سیستان یادداشت‌های رضا امیرخانی از سفر ۱۰ روزه رهبر شهید به استان سیستان و بلوچستان است



سمیرا قزوینی

روزنامه‌نگار

در روایت جنگ ۱۲ روزه رضا امیرخانی از جمله نویسندگان میدان‌دار بود. با دو چرخه‌اش رگاب‌زنان به سطح شهر رفت و از زندگی در جنگ گفت و برای پیروزی و همبستگی مردم ابرام‌امدواری کرد. از روزهای سخت پیش‌رو گفت و همبستگی مردم را برای حفظ ایران موضوعی مهم خواند. در کانال تلگرامی اش روزنوشت‌های جنگ را می‌نوشت؛ در یکی از روزنوشت‌ها نوشته بود: «در ویژه خود را پیدا کند. امیرخانی نویسنده‌ای را با «رمیبا» شروع کرد و با «من او» به شهرت رسید و هنوز بسیاری او را با «من او» می‌شناسند.

رضا امیرخانی در کنار رمان‌هایش، دو دسته کتاب دیگر هم دارد: یکی سفرنامه‌هایی است که با «داستان سیستان» شروع شد و با «جاستان کابلستان» ادامه پیدا کرد و متأخرترین‌شان آنها سفرنامه او به کره‌شمالی است به نام «نیم‌دانگ پیونگی‌بانگ». دسته دیگری از نوشته‌های او تأملاتش درباره فرهنگ و اجتماع و تا حدی سیاست است که «نشست‌نشا» و «نفحات نفت» از این‌هاست.

رضا امیرخانی در «داستان سیستان» و «جاستان کابلستان» شروع شد و با «جاستان سیستان» ادامه پیدا کرد و متأخرترین‌شان آنها سفرنامه او به کره‌شمالی است به نام «نیم‌دانگ پیونگی‌بانگ». دسته دیگری از نوشته‌های او تأملاتش درباره فرهنگ و اجتماع و تا حدی سیاست است که «نشست‌نشا» و «نفحات نفت» از این‌هاست.

سفر در آستانه حمله آمریکا به عراق
رضا امیرخانی در «داستان سیستان» ماجرای همراهی خود با رهبر شهید در سفر اسفند ۱۳۸۱ به سیستان و بلوچستان را روایت می‌کند. این سفر از آن جهت حائز اهمیت بود که مدت کمی پس از شکست طالبان در افغانستان و در آستانه حمله آمریکا به عراق (در مارس ۲۰۰۳) انجام شد. امیرخانی پیش از آغاز سفر در جلسه با یکی از مسئولان دفتر نشر آثار معظم رهبری در خصوص طول سفر می‌پرسد و پاسخش را این گونه می‌گیرد: «آقا با توجه به شرایط منطقه و حضور آمریکا در خلیج فارس... تصمیم گرفته‌است سفر را طولانی‌تر از زمان سایر سفرها برگزار کند.» و در ادامه درباره این تصمیم می‌نویسد: «در شرایطی که همه سران منطقه با تا کمر مقابل آمریکا تا شده‌اند و تا توی دهلیزهای پچاپیچ‌شان

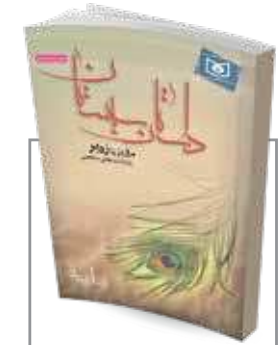
مردمی بوده در آن روزهای سخت در وصف رشادت مردم ایران نوشت: «زمان در ایران زیاد دست به دست شده اما زمین هرگز دست به دست نشده و در این روزهای سخت، قدرت مردمی بالاتر از قدرت سیاسی و... است. آرزوی منم مردم کشور سربریند، پایدار و تندرست باشند.» اما ۹ آذر ۱۴۰۴ رضا امیرخانی در پرواز با پاراگلایدر سقوط کرد و ۷ ماه است که در خوابی عمیق فرو رفته و از هیاهوی روزگار بی‌خبر است. امیرخانی اگر هوشیار و سرپا بود، این روزها پیش از گذشته به روایتش نیاز داشتیم. هم روایتش از ایران و هم روایتش از زبیر شهید انقلاب که گفتنی‌های زیادی درباره شخصیت فرهنگی و خصائل اخلاقی اش داشت. حالا که امیرخانی نمی‌تواند احوال این شهادت و رشادت پس از جنگ رمضان را روایت کند، روایت ۲۳ سال پیش او از همراهی با رهبر شهید در سفر به استان سیستان و بلوچستان را مرور می‌کنیم.



استقبال پرشور مردم سیستان و بلوچستان از رهبر شهید انقلاب در اسفند ۱۳۸۱ منبع: khamenei.ir

گلزار شهدا هم دست آقا بود و به نظر هر ناظر منصفی اگر یک‌جا به‌کار می‌آمد در همین تپه بود... مؤمن در هیچ چارچوبی نمی‌کنجد. آقا نگاهی به مقبره می‌کند. نگاهان شروع می‌کند به بالا آمدن. بالا آمدن تعبیر درستی نیست. شروع می‌کند به ندی به سمت قله گام برداشتن، چیزی نزدیک به دویدن. سردار رله‌ها را نشان می‌دهد اما آقا از مسیر مستقیم به سمت مقبره می‌آید... مسئولان یکی یکی جا می‌مانند: حتی محافظ‌ها نیز. از جمله همان که عصای آقا دستش است... یکی از محافظ‌ها سعی می‌کند دور و پراقتا باشد که اگر پایش بلغزد او را بگیرد اما آقا از او سریع‌تر صعود می‌کند. محافظ آقا حجم خیالی را بغل زده است و دنبال آقا می‌دود. کم‌کم مسئولان فربه و هم‌راهان تپیل از بقیه عقب می‌افتند. جا می‌مانند می‌آیند تا نفس تازه کنند و آقا همچنان به سرعت بالا می‌آیند... این یعنی آزمون مسئولان. من اگر بودم، هر محمد نوروزی‌زاد (مستندساز) و محمود عبدالحسینی (عکاس) شنبه سوم اسفند ۱۳۸۱ با یک هواپیمای باری بوئینگ ۷۴۷ راهی سیستان و بلوچستان می‌شوند.

«داستان سیستان» یادداشت‌های شخصی و روایت رضا امیرخانی است از سفری ۱۰ روزه به سیستان و بلوچستان؛ سفری که در ظاهر با یک برنامه رسمی سیاسی گره خورده، اما در متن روایت به مجموعه‌ای از مشاهدات، گفت‌وگوها، سوسه‌تاقام‌ها، جزئیات روزمره و تأمل‌های شخصی تبدیل می‌شود. آنچه در متن برجسته شده، فاصله میان برنامه‌ریزی رسمی و واقعیت جاری در میدان است؛ از فرودگاه و محل اسکان گرفته تا مسیر استقبال، جمعیت، نیروهای اجرایی و واکنش‌های پیش‌بینی‌ناپذیر آدم‌ها. امیرخانی در این سفرنامه از لحظه دعوت شدن تا رسیدن به زاهدان، ورود به



داستان سیستان
۱۰ روز با رهبر
یادداشت‌های شخصی
● نویسنده: رضا امیرخانی
● انتشارات: قلم
● تعداد صفحه: ۳۰۴ صفحه
● قیمت: ۳۰۰۰۰ تومان

میهمان سرا تا رفتار آدم‌های گمنام در مسیر استقبال. نتیجه، تصویری است از مهم‌ترین می‌شوند و فهم یک فضا، پیش از آنکه از مسیر شعارها به دست باید، از دل برخورد‌های کوچک و محنه‌های به‌ظاهر فرعی شکل می‌گیرد.

در «داستان سیستان» راوی مدام میان بدبینی، شکفتی، تردید و اطمینان جابه‌جا می‌شود. امیرخانی فقط صحنه‌ها را ثبت نمی‌کند، بلکه مدام آنها را می‌سنجد، از خود سؤال می‌پرسد، قضاوت‌های اولیه‌اش را ریس می‌گیرد و دوباره به آنچه دیده برمی‌گردد. به همین دلیل، متن او پر از لحظه‌هایی است که در آنها ذهن راوی با واقعیت بیرونی دست‌وپنجه نرم می‌کند. حضور نیروهای حفاظتی، استقبال مردمی، تفاوت تبلیغات رسمی و مردمی، وضعیت شهر، خاطره تبعید آیت‌الله خامنه‌ای به آن منطقه و نسبت برآمدن با این سفر، همگی در کنار هم فضایی می‌سازند که هم سیاسی است و هم اجتماعی.

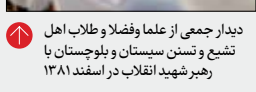
آزمون انقلاب اسلامی
نویسنده در این کتاب جزئیاتی از این سفر نقل می‌کند که در هیچ خبرگزاری رسمی منتشر نشد، چرا که اخبار رسمی کشور به موضوعات و تیترهای اصلی می‌پردازند. به جای برای جزئیات خبر وجود ندارد. به عنوان مثال در اخبار گفته می‌شد رهبر ایران از تپه نورالشهدای زاهدان، مقبره شهدای گمنام بازدید کرد ولی این نکته که ایشان از همه و حتی محافظانش سربرخیزد توانست به بالای تپه برسد در هیچ خبرگزاری رسمی ذکر نشده، اما در روایت امیرخانی به تفصیل آمده: «تپه نورالشهدای شیب زیادی دارد. تقریباً مثل قسمت آخر شیرپلا. البته راه‌پله‌ای را که مسیری پچاپیچ با سنگ ساخته‌اند که کار صعود را آسان‌تر می‌کند. اما همه درمانده‌ایم که رهبر آیا می‌تواند این تپه را بالا بیاید یا نه... آقا یک نگاه می‌اندازد به بالای تپه و مقبره و گل از گلش می‌شکند. سردار حفاظت، با دست مسیرو پله‌ها را به آقا نشان می‌دهد. آقا سری تکان می‌دهد. بعد یکی از محافظ‌ها را صدا می‌زند. عصا را می‌دهد دست محافظ؛ عصایی که حتی در مسیر صافی مثل

تعلق خاطر بیشتر به شهدای گمنام
امیرخانی روایتش از حضور آیت‌الله خامنه‌ای در مقبره شهدای گمنام را این گونه ادامه می‌دهد: «آقا به مقبره رسیده‌اند. کنارشان ایستاده‌ام. فاتحه می‌خواند و جالب اینکه نفس نفس نمی‌زند. خیلی آرام و با طمأنینه. احساس می‌کنم که نسبت به شهدای گمنام تعلق خاطر بیشتری دارند. انگشت‌ها را در پنجره‌های ضربخ گره می‌زنند و زیر لب چیزی زمزمه می‌کنند. خیلی بیشتر از گلزار [شهدا] وقت می‌گذرانند. فیور گلزار

روایت وحدت

یکی از ویژگی‌های قابل توجه «داستان سیستان» برداخت مناسب به موضوع قومیت‌گرایی و نیز موضوع شیعه و سنی است که در آن درباره دیدار عملی اهل سنت با رهبری آمده است: «شاید یکی از بهترین صحبت‌های رهبر که در هیچ رسانه‌ای منتشر نشد، صحبت در همین جلسه بود. آقا اول صحبت تأکید می‌کند که «خداوند دل‌های ما را به هم نزدیک کرده است، الله آلف بین قلوبنا... بعد از تلاش برای

این نزدیکی به عنوان یک وظیفه می‌گوید. آقا در پرده می‌گوید: «محررم نزدیک است. برای من بسیار مهم است که در این محرم منتشر نشد، چرا که اخبار رسمی کشور آینه در پاکستان خون شیعه و سنی سراین تصنیات کور ریخته نشود، حتی یک نفر...» بعد آقا راجع به حکومت اسلامی صحبت می‌کند و تعبیر ی‌دخلون فی دین الله افواج را برای توصیف اوایل انقلاب به کار می‌برد که بسیار جذاب است: «از همان ابتدای انقلاب، ما نخواستیم فقط پرچم شیعه را بلند کنیم، ما پرچم اسلام را بلند کردیم تا همه دور هم جمع شوند. امروز کتاب‌های ضد شیعه، تحریف تاریخ شیعه، ریاد سلام می‌شود، نه مثل قدیم‌ها و آن چاپ‌های بد پاکستانی. در شکل‌های نو و جذاب. ما هم می‌توانیم جواب‌شان را بدهیم. می‌توانش را هم داریم. اما این کار را صلاح نمی‌دانیم، این کار را نمی‌کنیم.



دیدار جمعی از علما و فضلای اهل تشیع و سنی سیستان و بلوچستان با رهبر شهید انقلاب در اسفند ۱۳۸۱

اهل سنت نیز به آقا اقتدار کردند. این تصویری بسیار زیبا و بدیع. نمی‌تواند از اهل سنت و نیمی از شیعیان در صف اول ایستاده‌اند؛ شانه به شانه. بعضی با دست‌های بسته و بعضی با دست‌های باز... در رکعت دوم سلام می‌دهد. منتظریم تا مکبر سلام بگوید اما هیچ خبری نیست. بعدتر می‌فهمیم که آقا به احترام غیرمسافرها - میزبان اصلی - به مکرر سپرده بود که سلام نماز را در همان رکعت چهارم بگوید...»

که خیال می‌کنم حتی مکتوبش هم مطول باشد. آن هم نه یک خطابه ادبی، که یک متن اداری شماره‌دار... نفر بعدی هم نماینده مجلس است و او هم از روی نوشته می‌خواند، مثل سلفش و متأسفانه خیلی از مطالب استاندار را عیناً تکرار می‌کند. با این تفاوت که لحن تند می‌دارد. اما وقتی نوبت به روایت نماینده قشرهای مختلف نخیه می‌رسد، لحن و روایت امیرخانی همدلانه، صمیمانه و شوق‌آفرین می‌شود: «شاید جذاب‌ترین بخش دیدار با نخیکان، صحبت خانمی است چادری، با چهره‌ای شکسته و خسته. از آن چهره‌های جوانی که زود پیر شده است و در خود غمی عظیم را پنهان کرده است. وقتی می‌رود پشت تریبون قسمت خانم‌ها، میکروفون بی‌سیم بازی درمی‌آورد و خرخر می‌کند... خانم را راهنمایی می‌کنند به سمت تریبون قسمت آقایان. دوباره صحبتش را آغاز می‌کند. نامش خانم عبادی است، کارگر نمونه استان. خراب شدن میکروفون، نظم صحبت را از او گرفته است. دوباره سلام می‌کند. رهبر می‌خندد و سلامش از همان جایی که صحبت‌تان قطع شد، ادامه بدهید...» اول بسیار کتابی شروع می‌کند به صحبت: «رهبر خیلی قیوم‌تان به استان را خوش آمد می‌گویم و از تشریف‌فرمایی شما تشکر می‌کنم...» چند جمله که می‌گوید لحنش عوض می‌شود. دیگر جملات ادبی را فراموش کرده است. بغضش می‌گیرد و می‌گوید: «ما کارگرها خیلی فقیریم آقا. زنان کارگر هیچ چیزی ندارند... آقا بدبختی زیاد است... سکوت سنگینی صلی را فرامی‌گیرد، حتی وقتی که این بانو - که چهره شکسته‌اش شرف دارد به همه مسئولان گاهل- در پایان صحبتش باز می‌خواهد ادبی صحبت کند و می‌گوید: «دیگر فرمایشی ندارم، آقا... امری نیست... هنوز ساکتیم و بضمغان را فرومی‌خوریم؛ حتی خود آقا نیز این تنها کسی بود که موقع حرف زدنش آقا سر تکان می‌داد و مشتاق شنیدن به او نگاه می‌کرد. تا اینجا سفر هیچ کسی را ندیدم که آقا تا بدین مسؤلان جمله‌هایشان نداشتند. امیرخانی در ادامه درباره تفاوت مشاهدات خود از این دیدار با تفاوت آنچه از این دیدارها در رسانه‌ها منعکس می‌شود، می‌نویسد: «رهبر بیش از دو ساعت نشست و ساکت به صحبت‌های مردم گوش داد. این مهم‌ترین چیزی بود که من در این جلسه دیدم، اما مسئولان رسانه‌ها معمولاً حواس‌شان نیست که این دو ساعت ساکت نشست و گوش دادن، خرابی مهم‌تر است تا نیم‌ساعت صحبت آقا. بلافاصله در خبر، آقا را نشان می‌دهند مشغول سخنرانی کردن...»

رضا امیرخانی:

احساس می‌کنم [آقا] نسبت به شهدای گمنام تعلق خاطر بیشتری دارند.

انگشت‌ها را در پنجره‌های ضریح گره می‌زنند

زیر لب چیزی زمزمه می‌کنند.

خیلی بیشتر از گلزار وقت می‌گذرانند.

قبور گلزار هر کدام صاحبی دارند، اما آقا نسبت به شهدای گمنام احساس دیگری دارد؛ حس پدری شاید

شاید

شاید

شاید

شاید

شاید

شاید

شاید

شاید

شاید

شاید

شاید

شاید

شاید

شاید

شاید

شاید

شاید

شاید

شاید

شاید

شاید

شاید

شاید

شاید

شاید

شاید

شاید

شاید

شاید

شاید

شاید

شاید

شاید

شاید

شاید

شاید

شاید

شاید

شاید

شاید

شاید

شاید

شاید

شاید

شاید

شاید

شاید

شاید

شاید

شاید

شاید



ویدئو مدته

در آینه قلم

کتاب

ایران

بکشید ۱۴ تیر ۱۴۰۵ ۲۰ محرم ۱۴۴۸

سال سی و دوم

شماره ۹۰۶۴

Sunday

5 July 2026

Vol 9064



حرکت ۲۷۴ اتوبوس زائران از سیستان و بلوچستان به مقصد مشهد

زاهدان - مدیرکل راهداری و حمل‌ونقل جاده‌ای سیستان و بلوچستان از اعزام ۶ هزار و ۶۸۰ زائر با ۲۷۴ دستگاه اتوبوس در روزهای ۱۵ و ۱۶ تیرماه خبر داد و گفت: «از این تعداد پنج هزار و ۶۵۵ نفر از شهرستان‌های شمال استان و یک هزار و ۲۵ نفر از شهرستان‌های جنوبی اعزام می‌شوند.» شهرام مبارکی افزود: «همزمان با اعزام زائران به مقصد مشهد مرکز مدیریت راه‌های استان نیز از طریق سامانه‌ها و دوربین‌های نظارتی، تردد ناوگان را به صورت مستمر پایش خواهد کرد و مجتمع‌های خدماتی و رفاهی بین‌راهی برای ارائه خدمات به زائران در آماده‌باش هستند.» وی با اشاره به پیشنهاد حرکت کاروانی اتوبوس‌ها با اسکورت پلیس گفت: «با توجه به ترافیک محورهای منتهی به مشهد، این اقدام می‌تواند به افزایش ایمنی و تسهیل تردد کمک کند. همچنین پیشنهاد شده ناوگان در مسیر بازگشت تا محدوده تریب‌حیدریه از اسکورت پلیس برخوردار باشد.» مدیرکل راهداری و حمل‌ونقل جاده‌ای سیستان و بلوچستان تصریح کرد: «اداره‌کل راهداری و حمل‌ونقل جاده‌ای استان تا پایان عملیات بازگشت زائران در قرارگاه عملیاتی مستقر خواهد بود و با همکاری دستگاه‌های اجرایی، انتظامی و امدادی، شرایط سفر را به صورت مستمر رصد می‌کند.»

تدابیر ویژه برای تأمین آب شرب زائران در مسیر ورود به تهران

قزوین - استاندار قزوین در نشست شورای برنامه‌ریزی تشییع پیکر رهبر شهید گفت: «پیش‌بینی می‌شود جمعیتی بالغ بر ۲۰ میلیون جمعیت در تهران حضور پیدا خواهند کرد و این موضوع نیازمند برنامه‌ریزی دقیق، به‌ویژه در حوزه‌های امنیتی، خدمات‌رسانی و سلامت در مسیر زائران به تهران است.» محمد نوذری با بیان اینکه تجربه پیاده‌روی اربعین نشان داده تأمین آب شرب زائران یکی از اصلی‌ترین چالش‌ها خواهد بود، تصریح کرد: «با توجه به پیش‌بینی افزایش دمای هوادر روزهای آینده، تدابیر ویژه‌ای برای تأمین آب شرب زائران در مواکب و مسیرهای تردد اتخاذ شده و در همین راستا نیز از ظرفیت‌های برخی دستگاه‌ها از جمله اوقاف، ستاد اجرایی فرمان امام (ره) و بنیاد علوی برای پشتیبانی از مواکب بهره‌گیری خواهد شد.» نوذری با تأکید بر استقرار تیم‌های امدادی و خدمات‌رسانی قزوین در منطقه ۱۱ تهران تأکید کرد: «تمامی امکانات استان برای ارائه خدمات در این منطقه متمرکز شده و تیم‌های پزشکی و آمبولانس‌های استان نیز به منظور پیشگیری از گرم‌زدگی و رسیدگی به حوادث احتمالی در طول مسیر و محل‌های استقرار، مستقر شده‌اند.» استاندار قزوین با اشاره به اینکه قزوین یکی از مسیرهای اصلی تردد زائران به سمت تهران است، اظهار کرد: «با افزایش تردد خودرها، دستگاه‌های امدادی و انتظامی تدابیر امنیتی و ترافیکی لازم را اتخاذ کرده‌اند و شهرداری و استانداری نیز برای تأمین ملزومات مورد نیاز مواکب همکاری نزدیکی با یکدیگر دارند.» وی ضمن قدردانی از مشارکت صنایع استان و مواکب (از جمله مواکب آلوند) برای تهیه غذای گرم و حضور خودجوش مردم در قالب کمیته‌های مردمی، خاطرنشان کرد: «تمامی مدیران دستگاه‌های اجرایی موظفند با بهره‌گیری از تمامی ظرفیت‌های فرهنگی و روابط عمومی‌های خود، میزبانی شایسته‌ای از زائران امام شهید داشته باشند و تمامی تمهیدات لازم برای سلامت و امنیت مردم تا پایان این مراسم فراهم شود.»

آماده باش ناوایی های قم برای خدمت‌رسانی در مراسم تشییع پیکر امام شهید

قم - مدیرکل غله و خدمات بازرگانی قم گفت: «ناوایی‌های قم با احداث ظرفیت آماده خدمت‌رسانی به مردم در مراسم تشییع پیکر امام شهید هستند و اقدامات لازم از جمله تخصیص سهمیه فوق‌العاده به واحدهای ناوایی فعال در مناطق پرتردد استان در این ایام انجام شده است.» مرتضی شجاعیان افزود: «سهمیه فوق‌العاده به ۴۱ واحد ناوایان در ورودی شهر، اطراف حرم مطهر حضرت معصومه (س)، مسجد مقدس جمکران، مرکز شهر و خیابان‌های اصلی برای تسهیل دسترسی شهروندان و زائران اختصاص یافت. همچنین تأمین نان مواکب از طریق واحدهای تولید نان صنعتی سطح استان است.» وی افزود: «همچنین کالاهای اساسی نظیر برنج، شکر و روغن برای پذیرایی از زائران در مواکب و هیات‌های مذهبی استان در مراسم تشییع پیکر رهبر شهید انقلاب نیز تأمین و توزیع شده است.» وی ادامه داد: «در خصوص تأمین نان مورد نیاز زائران بدرقه امام شهید از طریق ناوایان و واحدهای تولیدی نان صنعتی استان نیز هیچ مشکل و محدودیتی وجود ندارد و همه واحدها آماده خدمت‌رسانی هستند.» شجاعیان گفت: «تعطیلی ناوایان قم در روزهای ۱۵ و ۱۶ تیرماه به‌طور کامل لغو شده و تمامی ناوایان در این ایام مشغول به پخت و ارائه خدمت به شهروندان و زائران خواهند بود.»

پویش نامه به رهبر شهید

اردبیل - شرکت پست استان اردبیل اعلام کرد: «شرکت ملی پست ایران و دبیرخانه شورای اطلاع‌رسانی دولت در اقدامی مشترک و همزمان با برگزاری مراسم وداع و تشییع پیکر مطهر رهبر شهید انقلاب اقدام به برگزاری پویش مردمی «نامه به رهبر شهید» کردند.» به گزارش روابط عمومی شرکت پست استان اردبیل، در همین راستا عموم مردم می‌توانند نامه‌های خود به رهبر شهید انقلاب را تا تاریخ ۲۵ تیرماه ۱۴۰۵ با مراجعه به دفاتر پستی سراسر کشور به صندوق پستی ۱۵۸۷۵۰۸۸۱ ارسال کنند.

استاندار قم در گفت و گو با «ایران»، ابعاد سیاسی و پیام‌های جهانی مراسم تشییع رهبر شهید را تشریح کرد

قم، میزبان بزرگ‌ترین رخداد معنوی و انقلابی قرن



گزارش

داست و آن را «کانون شکل‌گیری و جنبش انقلاب اسلامی» و از مهم‌ترین خاستگاه‌های اندیشه سیاسی اسلام در دوران معاصر معرفی کرد. وی با تأکید بر نقش بی‌بدیل حوزه علمیه قم در تولید اندیشه دینی و سیاسی افزود: «بخش عمده‌ای از مبانی نظری انقلاب اسلامی، از جمله نظریه ولایت فقیه، ضرورت تشکیل حکومت دینی و همچنین پیوند میان دین و سیاست، در بستر علمی و فکری حوزه علمیه قم شکل گرفته و پرورش یافته است.» وی به گفته استاندار قم، این محیط علمی پویا توانست زمینه‌ای فراهم کند که اندیشه‌های امام خمینی (ره) به عنوان رهبر انقلاب اسلامی به صورت نظام‌مند تبیین شود و سپس توسط شاگردان و هم‌راهان ایشان در داخل و خارج کشور گسترش یابد.

قم: نقطه آغاز حرکت انقلابی مردم

«اکبر بهنام جو» استاندار قم با اشاره به روند تاریخی شکل‌گیری نهضت اسلامی اظهار کرد: «از سال ۱۳۲۷، شهر قم به عنوان نقطه آغاز حرکت انقلابی مردم ایران شناخته شد. پس از تبعید امام خمینی (ره) به این شاردگان و یاران ایشان بودند که در شهرهای مختلف از جمله قم، مشهد و نجف مسئولیت استمرار این جریان فکری و سیاسی را برعهده گرفتند و آن را از یک حرکت محدود به یک جریان فراگیر در جهان اسلام تبدیل کردند.» وی افزود: «رهبر شهید، چه در دوران مبارزه پیش از پیروزی انقلاب اسلامی و چه پس از استقرار نظام جمهوری اسلامی، همواره قم را «قلب تپنده انقلاب» و مرکز اصلی تولید فکر دینی و سیاسی می‌دانست. این نگاه در طول دوران ۳۷ ساله رهبری ایشان نیز استمرار یافت و موجب شد توجه ویژه‌ای به توسعه حوزه علمیه قم، ارتقای جایگاه علمی آن و پاسخ‌گویی به نیازهای روز جامعه اسلامی داشته باشند.» بهنام جو در ادامه با اشاره به سفرهای متعدد رهبر شهید به قم گفت: «این شهید صرفاً بازدیدهای تشریفاتی نبود، بلکه دیدارهایی عمیق و راهبردی با مراجع عظام تقلید، علما، استادان دانشمند میانی نظری انقلاب اسلامی را برای نسل‌های جدید بازخوانی و تبیین‌کنند و همچنین مسیر آینده حوزه‌های علمیه را متناسب با نیازهای جهان اسلام و تحولات جهانی ترسیم نمایند.» وی افزود: «نگاه رهبر شهید محدود به حوزه علمیه به عنوان یک نهاد صرفاً آموزشی نبود، بلکه توسعه شهری و ارتقای جایگاه ملی و بین‌المللی قم نیز از دغدغه‌های جدی ایشان محسوب می‌شد.»

به گفته او، ایشان بارها تأکید کرده بودند که ساختار

وقتی امید در دل آوار زنده شد

روایت حضور رهبر شهید در زلزله کرمانشاه



یاد ایام

کرمانشاه - زلزله ۷.۳ ریشتری ۲۱ آبان ۱۳۹۶ در غرب کرمانشاه، یکی از تلخ‌ترین و گسترده‌ترین حوادث طبیعی سال‌های اخیر ایران بود؛ حادثه‌ای که در چند ثانیه، زندگی در سرپل ذهاب، قصرشیرین، ثلاث‌باباجانی و گیلانغرب را متوقف کرد و هزاران خانواده را در شوک، اندوه و بی‌سرنواهی فرو برد. در روزهایی که هنوز زمین آرام نشده بود و پس‌لرزه‌ها ادامه داشت، تصویر شهرهای آسیب‌دیده، ترکیبی از آوار و جاده‌های اضطراری، چهره‌هایی بود که میان بیت و داغ، به آینده‌ای نامعلوم نگاه می‌کردند. در چنین فضایی، مسأله تنها بازسازی فیزیکی نبود؛ مردم بیش از هر چیز نیاز به آرامش روانی و احساس همراهی داشتند. در همین شرایط، حضور حضرت آیت‌الله سید علی خامنه‌ای، رهبر شهید، در مناطق زلزله‌زده سرپل ذهاب، به یکی از مهم‌ترین و اثرگذارترین رویدادهای پس از این حادثه تبدیل شد. این حضور در شرایطی انجام گرفت که بخش‌هایی از منطقه همچنان در وضعیت بحرانی قرار داشت و عملیات امداد و اسکان اضطراری هم‌زمان در جریان بود. بازدید از مناطق آسیب‌دیده، حضور در میان مردم، گفت‌وگو با خانواده‌های داغدار و شنیدن مستقیم مشکلات مردم، تصویری متفاوت از مواجهه با بحران را در ذهن بسیاری از اهالی ثبت کرد؛ تصویری که در آن، فاصله‌ها در دل حادثه کمتر شده بود و مردم احساس کردند رنجشان در سطحی فراتر از منطقه دیده می‌شود. در روایت مردم سرپل ذهاب، این حضور تنها یک برنامه رسمی یا بازدید میدانی تلقی نمی‌شود؛ بلکه به عنوان لحظه‌ای ماندگار از بازگشت امید در آن روزهای خاص یاد می‌شود. بسیاری از اهالی بیش از جزئیات سفر، از حال و هوای آن روز سخن می‌گویند؛ از اینکه در اوج ویرانی، احاطات کردند تنها نیستند و صدای رنجشان

برای پاسخ‌گویی منطقی به شبهات دعوت می‌کردند. بهنام جو در ادامه با اشاره به جایگاه قم در برگزاری مراسم تشییع رهبر شهید اظهار کرد: «انتخاب این شهر برای این مراسم، انتخابی کاملاً طبیعی و ریشه‌دار است، چراکه قم همواره به عنوان خاستگاه اصلی روحانیت و مرکز علمی تشیع شناخته می‌شود. از نگاه رهبر شهید نیز، همه روحانیون به قم تعلق دارند و شهدای روحانی نیز در حقیقت بخشی از هویت این شهر محسوب می‌شوند.» او تأکید کرد: «برگزاری مراسم تشییع در قم، نمادی از بازگشت به خاستگاه اصلی انقلاب اسلامی و نمایش پیوند عمیق میان مردم و رهبری است. این مراسم در واقع تجلی وفاداری، همبستگی و انسجام اجتماعی مردم در برابر آرمان‌های انقلاب اسلامی به شمار می‌رود.» استاندار قم افزود: «رهبر شهید همواره تأکید داشتند که انقلاب اسلامی از قم آغاز شده و در صورت بروز تهدیدهای خارجی یا داخلی، این شهر نخستین نقطه‌ای خواهد بود که مورد توجه دشمنان قرار می‌گیرد. از همین رو، تقویت زیرساخت‌های فکری، فرهنگی و اجتماعی قم از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.»

پیام مراسم تشییع رهبر انقلاب برای جهانیان

«اکبر بهنام جو» استاندار قم درباره پیام این مراسم برای ایران و جهان اسلام گفت: «حضور گسترده مردم، علما، مراجع تقلید و زائران از نقاط مختلف کشور و جهان، نشان‌دهنده عمق پیوند میان ملت و رهبری است. این حضور گسترده پیام روشنی از انسجام ملی و استمرار حمایت از آرمان‌های انقلاب اسلامی را به همراه دارد و بر اساس برنامه‌ریزی انجام شده، اقامه نماز بر پیکر مطهر رهبر شهید در صبح روز شانزدهم تیرماه برگزار خواهد شد و پیش‌بینی می‌شود مسیره‌ای منتهی به مسجد جمکران تا حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه (س) شاهد حضور میلیونی مردم باشد.» او خاطرنشان کرد: «این مراسم نه تنها یک رویداد مذهبی، بلکه یک رخداد تاریخی و تمدنی است که در حافظه جمعی ملت ایران ثبت خواهد شد.» استاندار قم سپس به اقدامات اجرایی و تمهیدات صورت گرفته اشاره کرد و گفت: «ستاد ویژه‌ای با عنوان «ستاد تشییع و وداع با پیکر مطهر رهبر شهید» تشکیل شده که شامل مفت کارگروه اصلی و ده‌ها کمیته تخصصی است. این ستاد با مشارکت نهادهای مختلف و با دستور مقامات عالی کشور فعالیت خود را آغاز کرده است. همچنین در سطح شهر قم بیش از دو هزار مواکب مردمی فعال شده و فرهنگ «هر خانه یک مواکب» به‌طور گسترده میان مردم رواج یافته است. بسیاری از خانواده‌ها نیز آمادگی خود را برای اسکان و پذیرایی از زائران اعلام کرده‌اند. ضمن آنکه کارگروه فرهنگی وظیفه ثبت و مستندسازی کامل این رویداد را برعهده دارد تا این حادثه مهم برای نسل‌های آینده باقی بماند. همچنین کارگروه پشتیبانی و خدمات شهری مسئول تأمین نیازهای اساسی زائران از جمله آب، تغذیه و امکانات اولیه است.» وی اظهار کرد: «کمیته اسکان برنامه‌ریزی کرده است تا بیش از یک میلیون نفر در سطح شهر قم اسکان داده شوند که این حجم از میزبانی در نوع خود بی‌سابقه است. همچنین کمیته حمل‌ونقل طرح‌های ویژه‌ای برای مدیریت ترافیک و تسهیل رفت‌وآمد زائران تدوین کرده است.»

استاندار قم در پایان با اشاره به ابعاد تاریخی این رویداد آن را «بی‌تکرار و ماندگار» توصیف کرد و گفت: «برخلاف تصور دشمنان که انتظار ایجاد بحران پس از این واقعه را داشتند، حضور گسترده و آرام مردم نشان‌دهنده انسجام اجتماعی و اقتدار ملی

است. از مردم درخواست می‌کنم با رعایت نظم، آرامش و همکاری با مسئولان در این مراسم حضور یابند و از وسایل حمل‌ونقل عمومی استفاده کنند.»

استاندار قم در گفت و گو با «ایران»: بر اساس برنامه‌ریزی انجام شده، اقامه نماز بر پیکر مطهر رهبر شهید در صبح روز شانزدهم تیرماه برگزار خواهد شد و پیش‌بینی می‌شود مسیره‌ای منتهی به مسجد جمکران تا حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه (س) شاهد حضور میلیونی مردم باشد





گفت‌وگوی «ایران» با هادی آرزوم درباره قطعه «صدای تو»

که برای رهبر شهید ساخته شد

احساساتم را به زبان موسیقی بیان کردم

گفت‌وگو

موسیقی همواره یکی از تأثیرگذارترین ابزارها برای روایت احساسات، ثبت رویدادهای تاریخی و ادای احترام به شخصیت‌های اثرگذار بوده است. قطعه «صدای تو» به آهنگسازی هادی آرزوم نیز با همین رویکرد و با الهام از یاد و نام رهبر شهید تولید شده و تلاش می‌کند مفاهیمی

چون ایستادگی، آرمان‌خواهی و ماندگاری یک صدا و اندیشه را در قالب موسیقی به مخاطب منتقل کند.

هادی آرزوم، آهنگ‌ساز و نوازنده ویولون و کمانچه است که از سال ۱۳۵۸ به‌طور جدی به کار آهنگ‌سازی روی آورد و بیشتر در زمینه موسیقی انقلابی فعالیت کرد و گروه «سیم اوایان اهل البیت» به رهبری استاد آرزوم شکل گرفت. این گروه متشکل از قاریان قرآن فعال در عرصه موسیقی آیینی است و اسما، الحسنی، جوشن کبیر و دعای نور از تولیدات ماندگار این گروه است.

در این گفت‌وگو با هادی آرزوم، درباره روند شکل‌گیری قطعه «صدای تو» و پیامی که این اثر قصد دارد به مخاطبان خود منتقل کند، گفت‌وگو کرد وگروه ایسم که در ادامه می‌خوانید:

نداسیجانی

گروه فرهنگی

اندیشه و باوری که از شعر دریافت کردم، صورت گرفت. امیدوارم با انتشار این قطعه توانسته باشم به رهبر شهیدمان ادای دین کرده و آن مفاهیمی را که در شعر وجود دارد، با زبان موسیقی بیان کنم.

طی این سال‌ها دیداری با مقام معظم رهبری داشته‌ام؟

دیدارهایی در صداوسیما و همچنین به صورت حضوری خدمت ایشان داشتیم که همیشه برای من خاطره‌انگیز بوده است. حضرت آقا به همه رشته‌های هنری علاقه داشتند، اما نگاه ایشان نسبت به قرآن ویژه بود.

از زمان ریاست جمهوری ایشان، در اولین روز ماه مبارک رمضان، اهالی قرآن دعوت می‌شدند و من این افتخار را داشتم که به عنوان یک قاری پیشکسوت قرآن، هر سال در محضر ایشان حضور داشته باشم. از تلاوت‌هایی که انجام می‌شد، توضیحاتی که ایشان ارائه می‌کردند و نکاتی که مطرح می‌کردند، بهره می‌بردم.

دیدارهای دیگری هم با حضور هنرمندان و آهنگسازان برگزار می‌شد. من هم دو بار این افتخار را داشتم که خدمت ایشان باشم و از صحبت‌های شادان درباره موسیقی استفاده کنم. من در حوزه موسیقی آکاپلا و آواز آیینی و مذهبی فعالیت کرده‌ام. به یاد دارم زمانی که ایشان از رادیو معارف بازدید داشتند، برخی از کارهای من از آنجا پخش می‌شد. ایشان درباره آثار من اشاره داشتند و فرموده بودند که سلیقه آرزوم در موسیقی را می‌پسندند. این صحبت برای من بسیار ارزشمند بود؛ اینکه ایشان با چنین دقتی آثار مختلف را دنبال می‌کردند و به جزئیات توجه داشتند.

نگاه

«میعادگاه سینماگران»؛ وداع اهالی سینما با رهبر شهید

سینما به احترام او ایستاد



گروه فرهنگی / در روزهایی که ایران در سوگ رهبر شهید

انقلاب به سر می‌برد، جامعه سینمایی نیز همچون دیگر اقشار، سهم خود را در این وداع ملی ایفا کرد. «میعادگاه سینماگران» که به ابتکار سازمان سینمایی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از ۱۲ تیرماه در مرکز گسترش سینمایی مستند، تجربی و پویانمایی برپا شده، فقط محلی برای حضور و ثبت یک مراسم تشریفاتی نیست، بلکه به فضایی برای مرور بخشی از رابطه میان سینما و عالی‌ترین سطوح سیاست‌گذاری فرهنگی کشور در چهار دهه گذشته تبدیل شده است. در روز نخست برپایی این میعادگاه، جمع قابل توجهی از مدیران، سینماگران، مستندسازان، تهیه‌کنندگان و فعالان فرهنگی در این محل حضور یافتند و سپس در قالب کاروان سینماگران راهی مراسم بدرقه شدند. حضور چهره‌های مختلف از نسل‌ها و حوزه‌های گوناگون سینما، از مدیران سازمان سینمایی گرفته تا فیلمسازان، مستندسازان و فعالان پویانمایی، نشان داد که این مراسم به‌بسیاری برای همراهی و همدلی بدنه فرهنگ و هنر با یک رخداد ملی تبدیل شده است.

آنچه به «میعادگاه سینماگران» هویت متفاوتی بخشید، تنها حضور چهره‌های سینمایی نبود. نمایش مجموعه‌ای از تصاویر دیدارهای رهبر شهید با سینماگران در دوره‌های مختلف، همراه با دل‌نوشته‌های اهالی سینما و همچنین نمایش فیلمی ۹۰ دقیقه‌ای از سخنان و دیدگاه‌های ایشان درباره سینما، فرصتی فراهم کرد تا مخاطبان، رابطه‌ای را

با توجه به این دیدارها، چقدر شخصیت و نگاه ایشان در ساخت این موسیقی تأثیرگذار بود؟

اولین بار که صحبت‌های مقام معظم رهبری را شنیدم، مربوط به دوره ریاست جمهوری ایشان بود؛ در جمع شاعران و در مراسم بزرگداشت یکی از استادان شعر. شاعران بزرگی از شهرهای مختلف حضور داشتند و ایشان درباره شعر و ادبیات صحبت کردند.

نوع شناخت و اشرفی که نسبت به شعر و ادبیات داشتند، برای من بسیار جالب بود. همان زمان با خودم گفتم افتخار می‌کنم چنین شخصیتی رئیس‌جمهور کشور ماست. توجه ایشان به ادبیات و هنر همیشه برای من ارزشمند بود.

نگاه ایشان به موسیقی هم برایم جالب بود. درباره آهنگسازان بزرگ دنیا صحبت می‌کردند و حتی قطعات موسیقی را با نام آهنگساز یا اثر می‌شناختند و درباره آنها توضیح می‌دادند. این میزان اشرفی به موسیقی و هنر برای من بسیار قابل توجه بود. ایشان هنرمندان، به‌ویژه موزیسین‌ها، را به شناخت بیشتر و توجه جدی‌تر به هنر توصیه می‌کردند.

با توجه به تجربه این دیدارها، دوست دارید موسیقی‌ای که ساخته‌اید چه احساسی را به مخاطب منتقل کند؟

من فقط احساس خودم را بیان کردم و نمی‌دانم تا چه اندازه می‌تواند روی مخاطب اثر بگذارد. اما کاملاً براساس احساسی که شعر

در من ایجاد کرد، تلاش کردم همان حس را با ملودی منتقل کنم.

بسیاری از آهنگسازان هم همین نگاه را دارند؛ مگر اینکه کاری سفارشی باشد و چارچوب مشخصی برای ساخت تعیین شود. من در این شعر سعی کردم احساس شخصی خودم را با این کلام و ادبیات، به زبان موسیقی تبدیل کنم.

اگر این اثر سفارشی بود، ترجیح می‌دادید بیشتر رویکرد احساسات مردم باشد یا فضای رسمی یک مراسم را با تأثیر دهد؟

یک هنرمند معمولاً تحت تأثیر اتفاقاتی است که در جامعه رخ می‌دهد. نمی‌شود احساس و نگاه هنرمند را از فضای اجتماعی جدا کرد.

هر چیزی که می‌شنویم، بی‌نیتم و تجربه می‌کنیم، در ذهن و کار ما اثر می‌گذارد. هنرمند هم در نهایت بیان‌کننده بخشی از همین احساسات جمعی است؛ به خصوص وقتی خودش درگیر یک اتفاق یا موضوع خاص باشد. بنابراین اثری که ساخته می‌شود، نمی‌تواند کاملاً جدا از شرایط و احساسات جامعه باشد.

وقتی قرار است یک شخصیت تاریخی یا سیاسی در قالب موسیقی روایت شود، آهنگساز با چه چالش‌هایی روبه‌روست تا اثر از شعار فاصله بگیرد و به یک اثر ماندگار تبدیل شود؟

مهم‌ترین نکته این است که هنرمند، در هر رشته‌ای که فعالیت کند؛ چه ادبیات، چه نقاشی و چه موسیقی، تحت تأثیر اتفاقات جامعه خود قرار می‌گیرد. کاری که من انجام دادم با آثاری که دوستان دیگر به این مناسبت ساخته‌اند، بی‌تأثیر از نامی به‌صورت مستقیم نیست. کاملاً متوجه شدم که این قطعه در سوگ شهادت رهبر ساخته شده است. تمام اشاره‌هایی که در شعر وجود دارد، برگرفته از شخصیت، گفتمان، نگاه و توصیه‌های ایشان است.

تلاش شده بدون اینکه نامی به‌صورت مستقیم مطرح شود. آن تصویر و آن احساس در ذهن مخاطب شکل بگیرد.

زمانی که روی این شعر کار می‌کردم و موسیقی آن را می‌ساختم، فضای جامعه، اتفاقات و شرایط روز پیش چشم بود. آنچه اتفاق می‌افتاد و تصاویری که می‌دیدم، ناخودآگاه در روند ساخت اثر تأثیر داشت.

البته معتقدم اگر آهنگساز دیگری هم روی همین شعر کار می‌کرد، ممکن بود از نظر ساختار موسیقی، ارکستراسیون و نگاه هنری

به مسیر دیگری برسد و حتی اثری متفاوت و شاید قوی‌تر خلق کند.

تجربه شما از ساخت موسیقی برای یک چهره تاریخی چه تفاوتی با ساخت آثار دیگر دارد؟ آیا در این نوع آثار احساس مسئولیت بیشتری دارید؟

در شرق، به‌خصوص در ایران، موسیقی معمولاً با کلام پیوند عمیقی دارد و مخاطب ما بیشتر با ادبیات و شعر ارتباط برقرار می‌کند؛ به این دلیل که گستردگی و تنوع سازه‌ها و ساختارهایی که در موسیقی کلاسیک غرب وجود دارد، در موسیقی بومی ما محدودتر است. برای همین، بخش زیادی از ارتباط مخاطب ایرانی با موسیقی از مسیر کلام و شعر شکل می‌گیرد.

در موسیقی جهان، سسمفونی‌های بزرگی ساخته می‌شود که گاهی ۴۵ تا ۵۰ دقیقه طول می‌کشد و مخاطب بدون وجود شعر، فقط از طریق رنگ‌آمیزی سازه‌ها، ساختار آهنگسازی و فضای موسیقی ارتباط برقرار می‌کند. اما در موسیقی ما، شعر نقش بسیار مهمی دارد.

وقتی موضوع به یک شخصیت تاریخی مربوط می‌شود، انتخاب کلام اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. اگر قرار است موسیقی برای یک شخصیت ساخته شود، باید شعری انتخاب شود که ریشه‌دار، دقیق و موجز باشد. در واقع شعر باید ویژگی‌ها و ابعاد آن شخصیت را منتقل کند. گاهی حتی یک اشاره غیرمستقیم می‌تواند تأثیر بیشتری داشته باشد؛ به‌گونه‌ای که بدون ذکر نام، مخاطب بتواند آن شخصیت را در ذهن خود تصور کند.

پس ابتدا یک کلام قوی و اثرگذار لازم است و بعد رسالت آهنگساز آغاز می‌شود؛ یعنی ملودی مناسبی انتخاب کند، تنظیم درستی انجام دهد و اگر قرار است اثر گسترده‌تر باشد، از ظرفیت‌هایی مانند ارکستراسیون استفاده شود. نکته دیگر اینکه ساخت چنین آثاری برای یک شخصیت ارزشمند، نیازمند زمان و دقت است و نباید با عجله انجام شود.

در ساخت این موسیقی چقدر به سلیقه شخصی خودتان وفادار بودید و چقدر تلاش کردید اثر متناسب با فضای مراسم و احساس مردم باشد؟

من از فضای جامعه دور نبودم. در جمع‌های شبانه، همراه با گروه اهالی بیت، با یک ساز ویولون و یک خواننده در میدان‌های مختلف تهران برنامه اجرا کردم و از نزدیک شاهد احساسات و هیجان مردم بودیم. من خودم را جدا از مردم نمی‌دانم و یکی از اعضای کوچک همین جمعیت بودم که در آن شب‌ها حضور داشتند.

در بسیاری از این شب‌ها، اتفاقات احساسی در نزدیکی همان جمع‌های رخ می‌داد و ما از فضای واقعی جامعه فاصله نداشتیم. بنابراین این اثر را با همان احساس شخصی خودم ساختم. زبان من موسیقی است و تلاش کردم این احساسات را با همین زبان و به شکلی ساده و صادقانه بیان کنم.

اگر بخواهید این قطعه را در یک جمله توصیف کنید، آن جمله چه نستی یا شخصیت رهبر شهید دارد؟

نکته جالب این است که در این اثر هیچ اشاره مستقیمی به نام ایشان نشده، اما ویژگی‌ها و نشانه‌هایی که در شعر وجود دارد، باعث می‌شود مخاطب وقتی آن را می‌شنود، کاملاً متوجه شود که این قطعه در سوگ شهادت رهبر ساخته شده است. تمام اشاره‌هایی که در شعر وجود دارد، برگرفته از شخصیت، گفتمان، نگاه و توصیه‌های ایشان است.

تلاش شده بدون اینکه نامی به‌صورت مستقیم مطرح شود. آن تصویر و آن احساس در ذهن مخاطب شکل بگیرد.

یادداشت

بازخوانی گفت‌وگوی علیرضا مهران، بازیگر نقش آیت‌الله خامنه‌ای

میان سکوت و شباهت

مهرداد پارسیای

منتقد سینما



نمایی از فیلم راهزهای ناتمام

کوچک‌ترین تفاوت در نگاه، لحن یا حرکت می‌تواند به چشم مخاطب بیاید و محل نقد قرار گیرد. نکته قابل تأمل دیگر، اشاره او به فرآیند تحقیق و استفاده از مستندات، کتاب‌ها، تصاویر آرشیوی و مشورت با کارگردان و مشاوران پروژه است. این بخش از گفت‌وگو یادآور آن است که بازی در نقش شخصیت‌های واقعی، بیش از هر چیز یک فرآیند پژوهشی است.

بازیگر پیش از آنکه مقابل دوربین قرار گیرد، باید به شناخت نسبی از شخصیت، موقعیت تاریخی و فضای اجتماعی دوران روایت برسد. در عین حال، روایت مهران از بازخورد مخاطبان نشان می‌دهد موفقیت چنین نقش‌هایی تنها در اتاق گرم رقم نمی‌خورد؛ پذیرش عمومی زمانی شکل می‌گیرد که مخاطب احساس کند بازیگر از مرحله تقلید عبور کرده و به بازاریابی شخصی رسیده است. همین مسأله سبب می‌شود بازی در نقش شخصیت‌های شناخته شده، همواره یکی از پریسک‌ترین انتخاب‌های حرفه‌ای برای بازیگر باشد. اشاره او به شنیده‌هایی درباره رفتار دفتر رهبری نیز از منظر رسانه‌ای قابل توجه است. حالا پس از شهادت رهبر، شاید سینما و سینماگران به سراغ ساخت فیلم‌هایی از زندگی او بروند و تجربه علیرضا مهران می‌تواند برای هر بازیگری که بخواهد نقش آیت‌الله خامنه‌ای را بازی کند، راهگشا باشد.

اخبار وداع

پیام وزیر فرهنگ درباره مراسم وداع رهبر شهید ایران



وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، پیامی درباره مراسم وداع با رهبر شهید منتشر کرد. سید عباس صالحی،

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، در شبکه ایکس‌نوشت: قاب تصویری حضور کارگزاران ادوار نظام جمهوری اسلامی در مراسم وداع با رهبر حکیم شهید، می‌تواند نمایه‌ای از گوهر انسجام ملی و خار چشم دشمنان خارجی باشد. او افزود: روز جمع زمان مناسبی بود، اما هنوز هم فرصت باقی است. از دست ندهیم.

دعوت از هنرمندان برای حضور در مراسم وداع با رهبر شهید



وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی معاونت امور هنری

شرکت در مراسم وداع و تشییع پیکر رهبر شهید دعوت کرد.

در این اطلاعیه آمده است: به اعجاز هنر، هیبت ایران و هیأت ایرانیان، در قامت حماسه و روایت اقتدار به نمایش گذاشته شده است.

هنر با توصیف ملتی که هیچ‌گاه از بذل جان دلیر خویش در هفت‌خان خظیر وطن دریغ نداشته‌اند، مسئولیت تاریخی خود را محقق ساخته و در جدال با اهریمن مبین، قدمی کوتاه نبوده است. آن چنان که در جنگ تحمیلی اخیر به سه دیدبانی و میان‌داری و درک هنر، تصویری بدیع و حیرت‌انگیز از عزت و اقتدار و وطن‌دوستی ایرانیان ثبت و گزارش شد.

اکنون نیز در آیین وداع و تشییع رهبر شهید، پرچم سوگ و بیرق حماسه‌سازی آن یگانه مرد میدان معرفت و معنویت و مبین دوستی بردوش هنر این مرزوبوم است که در فرافراش، مرهم داغ و چراغ راهش باشد. قطعاً هنرمندان این سرزمین با حضور آگاهانه خود در این آیین که مبدع قدرشناسی و عشق و غیرت دوستداران امام شهید است، نام و نشان ایران را همچون میراثی عظیم برای آیندگان به یادگار خواهند گذاشت. در همراهی با ملت قدرشناس، آن حکیمه و الاقمام و گوهر گرانمایه که به کیمیا هنر آراسته بود را با عزت و افتخار و دریغ بدرقه خواهیم کرد.

عروج رهبر شهید در هفتمین رویداد «نقش میان میدان»

هفتمین رویداد «نقش میان میدان» با موضوع عروج رهبر شهید و خلق دواثر هنری توسط سه هنرمند، زیربیل حافظ برگزار خواهد شد. بعدازظهر ۱۳ تیرماه برای نخستین بار در یک رویداد، شاهد خلق دواثر هنری توسط سه نقاش از استان‌های اصفهان، قم و بوشهر خواهیم بود. طبق برنامه‌ریزی مرکز هنرهای تجسمی حوزه هنری، قرار است در هفتمین رویداد هنری «نقش میان میدان»، امیرتدین از اصفهان و سیدعلی قافله‌باشی از قم به اجرای تابلویی بزرگ با ابعاد ۶ متر به موضوع عروج رهبر شهید بپردازند. همچنین استاد علی بحرینی از بوشهر اثر دیگری با همین مضمون خلق خواهد کرد. آثار این رویداد از بعدازظهر ۱۳ تیرماه تا بعدازظهر فردا یکشنبه ۱۴ تیرماه با تکنیک اکریلیک روی بوم اجرا خواهند شد و در حوزه هنری رونمایی می‌شوند. مرکز هنرهای تجسمی حوزه هنری از اهالی هنر برای مشارکت و همکاری در خلق این آثار دعوت می‌کند. / ایران

رونمایی از «وقت بوییدن گل» در سینما سپیده



آیین رونمایی از بزرگ‌ترین هم‌نگاره ایران با عنوان «وقت بوییدن گل» در آغاز مراسم وداع با رهبر شهید در خیابان انقلاب و در مقابل سینما سپیده برگزار شد.

آیین رونمایی از هم‌نگاره «وقت بوییدن گل» که به همت مردم تهران و با موضوع «رهبر شهید ایران» در روزهای ۱۱ و ۱۲ تیرماه در مقابل سینما بهمن تهران خلق شده بود، با حضور خانواده‌های معظم شهدا، محمد مهدی دادمان رئیس حوزه هنری انقلاب اسلامی، محمدصادق کوچک‌زاده معاون هنری حوزه هنری، منوچهر قلم‌چی خالق اثر، مدیران فرهنگی و جمعی از مردم در مقابل سینما سپیده تهران برگزار شد.

در ابتدای آیین رونمایی، احمد بابایی شاعر انقلابی برای حاضران در مراسم به یاد رهبر شهیدمان شعرخوانی کرد و محمد حسین زارعی از اهالی رسانه خاطرات خود را در دیدار با رهبر شهید بازگو کرد.

در این مراسم که اجرای آن را سیدکمال هاشم‌زاده برعهده داشت، منوچهر قلم‌چی عکاس پیشکسوتی که این هم‌نگاره از عکس‌های ثبت شده توسط وی خلق شده، گفت: «در دهه شصت به عنوان عکاس روزنامه اطلاعات همراه مقام معظم رهبری که در آن زمان رئیس‌جمهور بودند برای سرکشی به پروژه‌های جهاد سازندگی به یوتیوب زهار رفتیم. در همان زمان بود که یکی از اهالی به رهبر شهید دسته‌گلی داد و زمانی که ایشان در حالت بوییدن گل بودن این عکس را گرفتیم.»

و دواع

و دواع

فرهنگ شهادت

فرهنگی

ایران

کشنه

۱۴ تیر ۱۴۰۵

۲۰ محرم ۱۴۴۸

سال

سی و دوم

شماره ۹۰۶۴

Sunday

5 July 2026

Vol 9064



آخرین دیدار در میعادگاه وداع

در نخستین روز از مراسم وداع مردم با پیکر رهبر شهید در مصلاي تهران، صحنه‌هایی کم‌سابقه از حضور گسترده مردم رقم خورد؛ مردمی که از ساعات اولیه صبح در میعادگاه آخرین دیدار گرد آمدند تا با رهبر خود وداع کنند. فضای مصلي آمیخته از سکوت سنگین، اشک‌های بی‌صدا و زمزمه‌های دعا بود. پرچم‌های سیاه و تصاویر مزین به نام و یاد او، در میان دست‌های لرزان سوگواران بالا رفته بود و هر نگاه، روایتی از اندوهی مشترک را بازتاب می‌داد. در قباب دوربین‌ها، این وداع به تصویری از همبستگی و سوگ ملی بدل شد که در حافظه جمعی ثبت خواهد ماند و بازتاب آن همچنان ادامه دارد.

عکس‌ها: آژانس عکس ایران



در قباب تصویر

عکس

ایران

یکشنبه
۱۴ تیر ۱۴۰۵
۲۰ محرم ۱۴۴۸

سال
سی و دوم
شماره ۹۰۶۴

Sunday
5 July 2026
Vol 9064

وقتی خیابان، میدان همدلی شد

مهری زنجبیر/ از اولین ساعات روز شنبه، خیابان‌های پایتخت در حاله‌ای سنگین از اندوهی مضاعف فرو رفته؛ غمی که نه فقط در چهره‌ها، بلکه در ریتم حرکت آدم‌ها نیز نمایان است. هر رهگذر، گویی حاصل روایتی از فقدان رهبر شهید است. با وجود گرمای هوا، آنچه بر فضای خیابان‌های اطراف مصلای امام خمینی (ره) حاکم است، نه تابش شدید نور آفتاب، که غم فقدان رهبر شهید است.

در خیابان خرمشهر، از خیابان عشق‌آر تا عربعلی، نظمی خودجوش اما منسجم شکل گرفته؛ نظمی که یادآور آرایش یک میدان بزرگ است؛ میدانی نه برای رقابت، بلکه برای همدلی، موبک‌ها همچون ایستگاه‌هایی از خدمت، در فواصل منظم مستقر شده‌اند و هر یک به سهم خود بخشی از بار این اجتماع عظیم را بر دوش می‌کشند. صدای نوحه‌ها، بیوی اسپند و حرکت پیوسته جمعیت، فضایی پدید آورده که بی‌اختیار ذهن را به صحنه‌های راهپیمایی اربعین پیوند می‌زند؛ جایی که معنا در حرکت جمعی بازتعریف می‌شود. در این میان، حضور نهادهای ورزشی جلوه‌ای متفاوت به این روایت بخشیده؛ حضوری که بیش از هر چیز یادآور روحیه تیمی و مسئولیت‌پذیری در میدان‌های بزرگ است. اولین موبکی که به رهگذران خدمت‌رسانی می‌کند، موبک فدراسیون نجات غریق و ورزش‌های آبی است که با چینی‌های هدفمند خدمات خود را ارائه می‌دهد. خدمتگزاران حاضر در این موبک، با دقتی شبیه به اجرای یک مأموریت ورزشی، آب، چای و شیرینی توزیع می‌کنند. در ادامه، موبکی بزرگ‌تر با ساختاری متفاوت و سایبان زردرنگ همانند یک «ایستگاه ریکواری» در میانه مسیر خودنمایی می‌کند؛ جایی برای بازیابی توان جسمانی در گرمای سوزان تابستان. در این مکان، سالمندان روی صندلی‌های تعبیه شده در سایه می‌نشینند، جرعه‌ای آب خنک می‌نوشند و با خوردن بستنی، خستگی مسیر را از تن می‌زدایند. بر بنر این موبک، پنج حلقه المپیک در کنار نماد مشت‌کره کرده رهبر شهید نقش بسته است؛ نشانه‌ای از روشن از حضور کمرته ملی المپیک. کارکنان این موبک با پوششی یکدست و تی‌شرت‌های مشکی مزین به تصویر رهبر شهید، همچون اعضای تیمی هماهنگ در حال خدمت‌رسانی هستند. این موبک طی روز و مراسم وداع در خیابان عربعلی فعال است و در روز بزرگ‌تر نیز با ساختاری سبک‌تر و داخل صلی به ارائه خدمات ادامه خواهد داد. علاوه بر این، برنامه‌ریزی برای برپایی موبک در مشهد، همزمان



زهرا نجاتی، عضو تیم ملی والیبال نشسته بانوان ایران:

فرمایشات رهبر شهید چراغ راه ورزشکاران است

گروه ورزشی/ زهرا نجاتی عارف، عضو تیم ملی والیبال نشسته بانوان ایران، از فقدان رهبر شهید به‌عنوان یکی از تلخ‌ترین دغدغه‌های جامعه ورزش یاد کرد. وی با بیان اینکه دیدار با مقام معظم رهبری یکی از مهم‌ترین و انگیزه‌بخش‌ترین لحظات برای ورزشکاران بوده است، توضیح داد: «در سال‌های گذشته، چه پیش از اعزام به رقابت‌های مهمی مانند پارالمپیک، بازی‌های پارالاسیایی و آسیایی و چه پس از بازگشت با مدال، توفیق دیدار با ایشان را داشتیم. من نیز در طول ۱۵ سال عضویت

آنچه در این مسیر شکل گرفته، فراتر از یک آیین سوگواری است؛ صحنه‌ای از هم‌افزایی اجتماعی که در آن مفاهیمی چون کار تیمی، انضباط، تاب‌آوری و خدمت، در بستری غیررقابتی اما به همان اندازه جدی و معنادار بازتولید شده‌اند



با آیین خاکسپاری، نشان از تداوم این رویکرد دارد. در انتهای کوچه ششم خیابان عربعلی، موبک کمرته ملی پارالمپیک قرار گرفته؛ موبکی که اگرچه در موقعیتی خلوت‌تر مستقر شده، اما کیفیت خدمات آن بازتابی از همان روحیه استقامت و بی‌ادعایی است که در ورزشکاران پارالمپیکی مشاهده می‌شود.

یادداشت

رهبر شهید الگویی ابدی در تاریخ



احمد دناشماندی
وزیر ورزش و جوانان

وقتی تکیه‌گاهی چون رهبر شهید حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای از میان ما می‌رود، اولین واکنش، اندوه است؛ اما دومین واکنش، «جست وجوی مسیر» است. برای ما در جامعه ورزش و جوانان ایران اسلامی، ایشان تنها یک مقام عالی نبودند، بلکه «معنای اعتماد به نفس» ما بودند. کسی که به ما آموخت می‌توان در میدان‌های جهانی، در حالی که در اوج قدرت هستیم، متواضع و اخلاق‌مدار باشیم.

بزرگ‌ترین دستاوردی که ایشان برای ورزش ایران به یادگار گذاشتند، «باور به توانمندی» بود. ایشان به ما یاد دادند که ورزشکار ایرانی، وقتی تکیه بر اصالت خود داشته باشد، هیچ قله‌ای برایش دست‌نیافتنی نیست. امروز، در حالی که در میان جمعیت عزادار تهران، قم و مشهد هستیم، می‌بینیم که غم فقدان، با یک «عزمی راسخ» گره خورده است. ما می‌دانیم که مسیر پیش رو، مسیر تداوم است؛ تداوم همان نگاهی که ورزش را دریچه‌ای به سوی تعالی انسان می‌دید.

ما با قلبی که با غم جدایی می‌تپد اما با عقلی که به مسیر آینده ایمان دارد، راه را ادامه می‌دهیم. در سایه‌سار رهبری حضرت امام سید جنتی خامنه‌ای، تلاش خواهیم کرد تا هر مدالی که ورزشکاران مان می‌گیرند و هر رکوردی که شکسته می‌شود، آدای دینی باشد به آن نگاه پدران که همواره ما را به سوی «بهترین‌ها» سوق می‌داد.

راه قائد شهید امت، اکنون به «الگویی ابدی» تبدیل شده است و ما، در امتداد این الگو، پیش خواهیم رفت.

متقیان، مدال آور پارالمپیک در گفت‌وگو با «ایران»:

رهبر شهید یک الگو و اسطوره واقعی برای ملت ایران بود



گروه ورزشی/ هاشمی متقیان، دارنده چندین مدال بازی‌های پارالمپیک و پارالاسیایی، با تسلیت فرارسیدن مراسم ارتحال رهبر شهید، از مردم ایران زمین می‌خواهد با حضور پرشور در مراسم تشییع، به جهانیان نشان دهند که ملت ایران در برابر فشارها و تهدیدها عقب‌نشینی نمی‌کند.

او با تقدیر از حضور گسترده مردم در اجتماعات پس از شهادت رهبر فقید و اعلام حمایت بی‌قید و شرط خود از وطن، می‌گوید: «در حال مذاکره بودیم که دشمن جنایتکار به‌صورت ناخواسته به ما حمله کرد و در اولین روز این حمله، آیت‌الله‌العظمی سید علی خامنه‌ای را به شهادت رساند. آنان در طول تاریخ بارها ثابت کرده‌اند که قابل اعتماد نیستند. نه تنها من، بلکه میلیون‌ها ایرانی دلمان از شهادت قائد شهید شکسته است و هنوز باورمان نمی‌شود که ولی‌امر مسلمین جهان در کنار ما نیستند. اما به آنان نشان دادیم که این حادثه موجب اتحاد بیشتر مردم شد و اکنون با گذشت حدود چهار ماه، همچنان مانند روز اول، مردم سوگواری و با سخنان و فرمایشاتی که در زمان حیات، ما را رهنمون می‌کردند، زنده ایم.»

این مدال‌آور مسابقات پارالمپیک همچنین بیان می‌کند: «تجربه‌های تاریخی نشان داده است که ملت ایران در برابر فشارها و تهدیدها عقب‌نشینی نمی‌کند و با تکیه بر وحدت و ایمان، مسیر پیشرفت و استقلال خود را ادامه خواهد داد. دشمن بدانند که ایران، ملتی یکپارچه است و در این لحظات تاریخی و حساس، جامعه ورزش و ورزشکاران ملی باید در صحنه حضور داشته باشند و با بصیرت و موضع‌گیری‌های درست، همبستگی خود را با عزم راسخ ملت نشان دهند. اکنون کشور اسلامی مان به ما نیاز دارد و همان‌گونه که ورزشکاران ملی در میادین مختلف جهان موجب سرفرازی کشور شده‌اند، اکنون نیز با حمایت از مواضع کشورمان باید به اقتدار هرچه بیشتر آن کمک کنند؛ همان‌گونه که تیم ملی فوتبال در زمین دشمن و در ورزشگاه هفتاد هزار نفری، با وجود تمام کارشکنی‌ها، پرچم ایران را به اهتزاز درآورد. این، رمز موفقیت ملت ایران است که در جنگ، سوگواری و شادی در کنار یکدیگر هستند.»

متقیان درباره دیدار خود با رهبر شهید نیز می‌گوید: «نخستین باری که از نزدیک با ایشان دیدار داشتم، در زمان بازی‌های پارالاسیایی ۲۰۱۴ بود که حس بسیار خوبی به من دست داد. ایشان یک الگو و اسطوره بودند. در همان روز، گفت‌وگو بسیار خوبی با ورزشکاران داشتند و من از ملاقات با ایشان بسیار خوشحال شدم. باید بگویم این انسان فرهیخته، واقعاً شایسته شهادت بودند.»

آنچه در این مسیر شکل گرفته، فراتر از یک آیین سوگواری است؛ صحنه‌ای از هم‌افزایی اجتماعی که در آن مفاهیمی چون کار تیمی، انضباط، تاب‌آوری و خدمت، در بستری غیررقابتی اما به همان اندازه جدی و معنادار بازتولید شده‌اند. بسیاری دیگر، به خیابان آمده‌اند تا در این میدان نقش خود را ایفا کنند.

این واقعه، برای کل جامعه ورزش، سنگین و غم‌انگیز است. عضو تیم ملی والیبال نشسته بانوان در بیان تأکید کرد: «رهبر شهید همواره برای ما نور بودند که ایران قوی، نامزمنند ورزش قوی است. ایشان پیش از مسابقات با سخنان امیدبخش خود به ما انگیزه می‌دادند تا برای سربلندی کشور تلاش کنیم. امروز نیز با وجود محرومیت از حضور ایشان، فرمایشات‌شان را چراغ راه خود قرار داده‌ایم و با تمام توان برای به اهتزاز درآوردن پرچم ایران تلاش خواهیم کرد.»

در تیم ملی، نزدیک به ۱۰ بار این سعادت را تجربه کرده‌ام. این ملی‌پوش والیبال نشسته بانوان با تأکید بر نقش حمایتی رهبر شهید در توسعه ورزش، و به‌ویژه ورزش بانوان، می‌گوید: «بیانات ایشان همیشه برای ما سرشار از امید و انگیزه بود. به‌ویژه توجه ویژه‌ای که به بانوان ورزشکار با حجاب اسلامی و مادرانی که همواره فرزندان خود در میادین حاضر می‌شدند داشتند، برای ما بسیار ارزشمند و دلگرم‌کننده بود.»

جواد داوری، رئیس فدراسیون بسکتبال در گفت‌وگو با «ایران»:

ایران قدرتمند، میراث ماندگار رهبر شهید است



گروه ورزشی/ جواد داوری، رئیس فدراسیون بسکتبال، در حاشیه مراسم وداع با «رهبر شهید» در گفت‌وگو با «ایران» توضیح داد: «با اندوهی عمیق با پیگر رهبر شهید وداع می‌کنیم؛ شخصیتی که به‌آمان‌ها و اندیشه‌های خود، استقلال سیاسی و تمامیت ارضی این سرزمین را از تعرض و چپاول مصون نگاه داشت. ایشان در درایت خویش، قدرت ملی را به ثمر نشان دادند؛ قدرتی که در سایه آن، ایران مقتدر، بدون دست دادن حتی ذره‌ای از خاک خود، پابرجا ماند.»

وی در ادامه می‌گوید: «آیین وداع و تشییع ایشان، تنها یک بدرقه معمولی نیست، بلکه یادآور مسیری است که نسل‌های مختلف برای دستیابی به آرمان‌های خود پیرومندند. در چنین لحظاتی، جامعه نه تنها با یک چهره سیاسی، بلکه با بخشی از تاریخ فکری و اجتماعی خود مواجه می‌شود و به آن می‌اندیشد. رهبر شهید، میراثی گران بها برای ملت ایران بر جای گذاشتند که همانا ایران

امروز با صلابت و قدرت در برابر زورگویی‌های جهانی ایستادگی کرده، به برکت رهنمودهای رهبر شهید بوده است. اکنون نیز خرسندیم که پس از شهادت ایشان، فرزند مؤمن و مردم‌دوستشان به عنوان رهبر جدید انقلاب، سکان هدایت ایران اسلامی را بر عهده گرفته‌اند. طبق فرمایشات رهبر شهید، ایران اسلامی باید هر روز سربلند و سرفراز باشد و من خدا را شاکرم که در چنین کشوری متولد شده‌ام.»

میراسماعیلی در ادامه توضیح

در ذهنم باقی خواهد ماند. وی در ادامه با اشاره به شخصیت برجسته رهبر شهید توضیح داد: «قائد شهید همواره با دلسوزی و مهربانی با مردم رفتار می‌کردند و علاقه زیادی به ورزش داشتند. ایشان همیشه نگران مردم بودند و به همین دلیل، شهادتشان غمی بزرگ برای ملت ایران به شمار می‌رود. مردم قدرشناس ایران هرگز بزرگی و عظمت ایشان را از یاد نخواهند برد.»

رئیس فدراسیون جودو در ادامه می‌گوید: «اگر ایران اسلامی، در ذهنم باقی خواهد ماند.» وی در ادامه با اشاره به شخصیت برجسته رهبر شهید توضیح داد: «قائد شهید همواره با دلسوزی و مهربانی با مردم رفتار می‌کردند و علاقه زیادی به ورزش داشتند. ایشان همیشه نگران مردم بودند و به همین دلیل، شهادتشان غمی بزرگ برای ملت ایران به شمار می‌رود. مردم قدرشناس ایران هرگز بزرگی و عظمت ایشان را از یاد نخواهند برد.»

آرش میراسماعیلی، رئیس فدراسیون جودو در گفت‌وگو با «ایران»:

مردم ایران هرگز عظمت رهبر شهید را از یاد نخواهند برد

گروه ورزشی/ آرش میراسماعیلی، رئیس فدراسیون جودو، در حاشیه مراسم وداع با رهبر شهید، در گفت‌وگو با «ایران» از یکی از مهم‌ترین خاطرات دوران ورزشی خود یاد کرد و در این باره گفت: «بزرگ‌ترین افتخارم در دوران ورزشی‌ام این بود که رهبر شهید، به دلیل عدم رویارویی با نماینده رژیم صهیونیستی در المپیک، پیشانی مرا نوسیدند و بابت این تصمیم مرا مورد تقدیر قرار دادند. هرگز خاطره آن دیدار خاص را فراموش نمی‌کنم و تا ابد

سیدرمضان صالح‌نژاد، قهرمان پاراتیراندازی جهان در گفت‌وگو با «ایران»:

رهبر شهید برگردن تک تک ما حق دارند

پریسا غفاری/ سیدرمضان صالح‌نژاد، قهرمان پاراتیراندازی جهان، از آن دسته ورزشکارانی است که پس از کسب مدال، به دیدار رهبر شهید رفت و این روزها نیز در نبود ایشان با شرکت در مراسم سوگواری، یاد و خاطره‌اش را زنده نگه می‌دارد.

این جانباز نخاعی ۷۰ درصد جنگ‌تحمیلی، به مناسبت فرارسیدن مراسم تشییع رهبر شهید سید علی خامنه‌ای، در گفت‌وگو با «ایران» می‌گوید: «مردم ایران مدت‌هاست در سوگ پدر و ولی‌امر مسلمین همچنان مشغول عزاداری هستند. تاکنون هیچ کشوری برای یکی از مقامات بلندپایه خود چنین مراسم طولانی مدت عزاداری برگزار نکرده است و اگر عدالتی در جهان وجود داشته باشد، ترامپ و فرماندهانش محاکمه و مجازات خواهند شد.»

او در ادامه از علاقه و ارادت خاص خود به رهبر شهید سخن می‌گوید: «دلایل این علاقه و ارادت آن است که ایشان، بی‌پاک و نترس، مدیر و مدبر، مقتدر و شجاع بود و بیشتر اوقات خود را صرف امور مردم و کشور می‌کرد. من حتی خانه قدیمی و ساده‌شان را از نزدیک دیدم، در حالی که دشمنان در رسانه‌ها و میان مردم به دروغ اعلام می‌کردند که در خانه‌ای ضدبمب با

امیر عزیزپور، رئیس فدراسیون اسکواش در گفت‌وگو با «ایران»:

رهبر شهید همانند یک پدر دلسوز به ورزشکاران انگیزه می‌دادند



گروه ورزشی/ امیر عزیزپور، رئیس فدراسیون اسکواش، در حاشیه مراسم وداع با رهبر شهید و در گفت‌وگو با «ایران» توضیح داد: «حضور گسترده مردم و خیل علاقه‌مندان به آیت‌الله‌العظمی سید علی خامنه‌ای در مراسم وداع با رهبر شهید و خانواده محترم ایشان، نشان می‌دهد که همه مردم ایران داغدار پدر مهربان و دلسوز خود هستند و ان‌شاءالله انتقام خون ایشان را از دشمنان کودک‌کش خواهیم گرفت.»

وی با اشاره به دیدارهایی که به همراه ورزشکاران و قهرمانان با رهبر شهید داشته‌اند، ادامه داد: «در آخرین دیدار حضرت آقا با ورزشکاران و مسئولان ورزش ایران، ایشان نگاه ویژه‌ای به حوزه ورزش داشتند. من شخصاً آن ملاقات را هرگز از یاد نخواهم برد؛ روزی که رهبر شهید با نگاهی پدران به ورزشکاران ما انرژی و انگیزه می‌بخشیدند و این حس خوب را به جامعه ورزش منتقل



سیدرمضان صالح‌نژاد، قهرمان پاراتیراندازی جهان در گفت‌وگو با «ایران»:

رهبر شهید برگردن تک تک ما حق دارند

پریسا غفاری/ سیدرمضان صالح‌نژاد، قهرمان پاراتیراندازی جهان، از آن دسته ورزشکارانی است که پس از کسب مدال، به دیدار رهبر شهید رفت و این روزها نیز در نبود ایشان با شرکت در مراسم سوگواری، یاد و خاطره‌اش را زنده نگه می‌دارد.

این جانباز نخاعی ۷۰ درصد جنگ‌تحمیلی، به مناسبت فرارسیدن مراسم تشییع رهبر شهید سید علی خامنه‌ای، در گفت‌وگو با «ایران» می‌گوید: «مردم ایران مدت‌هاست در سوگ پدر و ولی‌امر مسلمین همچنان مشغول عزاداری هستند. تاکنون هیچ کشوری برای یکی از مقامات بلندپایه خود چنین مراسم طولانی مدت عزاداری برگزار نکرده است و اگر عدالتی در جهان وجود داشته باشد، ترامپ و فرماندهانش محاکمه و مجازات خواهند شد.»

گفت‌وگو



Iran prepares largest state funeral in history for slain Ayatollah Ali Khamenei



زن؛ ارزشمند در نگاه رهبر مسلمین

اسماء غفاری

روزنامه‌نگار

انما المرأة رحیانة و لیست بقهرمانة: رهبر شهیدمان در توضیح این عبارت امیرالمومنین (علیه السلام) تعبیر جالبی به کار می‌برد: «زن گل است! کارگزار خانه نیست که شما بگویید چرا این کار را نکردی... گل را باید مراقبت کرد، باید حفظ کرد؛ او هم شما را از رنگ خود، از بوی خود، از خواص خود برخوردار خواهد کرد. ایشان همیشه مردها را از توقع بیجا داشتن از زنان بر حذر داشتند و تأکید می‌کردند مبادا همه کارهای زندگی‌تان را روی شانه‌های نحیف زن بیاورید. این زن گلی است در دست شما که اگر قدرش را بداند و با او مانند یک گل

رفتار کنید مایه زینت زندگی‌تان خواهد بود. از طرفی زنان را مدام با نقش اصلی‌شان در زندگی که خانه داری و حفظ کانون پرعاطفه خانواده است مانوس می‌کردند و یادآور می‌شدند تمام فعالیت‌های اجتماعی برای یک زن زمانی قابل تقدیر و ارزشمند است که او را از نقش اصلی‌اش که همان مادری و همسری است، باز ندارد چرا که این کار کاری است که از کس دیگری برمی‌آید. ایشان از تربیت فرزند به عنوان «هنر خیلی زیاده» یاد می‌کردند. یک بار در مراسمی که مشغول خواندن عقد بودند، فرمودند: «شما هرکاری را در نظر بگیرید که خیلی دشوار باشد، در مقابل بچه داری واقعا آسان است. ولی خدا توان این کار را به طور غریزی در زن قرار داده.»

اهمیت مادری و فرزندپروری در نگاه آن مقام والا به حدی بود که نه تنها به افراد جامعه که در نشست‌های مختلف به مسئولین تذکر می‌دادند برای زنانی که به هر دلیلی کار بیرون از خانه را قبول می‌کنند، مرخصی‌های منصفانه و مدت کاری متناسب با وظیفه مادری‌شان در نظر بگیرند. شاید کمتر کسی از چهره اول حکومت اسلامی انتظار این میزان دقت در جزئیات و توجه به مقام زن را داشته باشد اما ایشان همواره افراد را از تحقیر و اهانت زنان چه در عمل، چه در کلام نهی می‌کردند و از سردمداران دفاع از حقوق زن بودند.

نقش و رسالت زن، (منبع: جلد ۳ زن و خانواده)

یادداشت

روزی که شبیه هیچ روزی نیست

احسان رضایی

روزنامه‌نگار

منصی یعنی محل اقامه صلوات و خواندن نماز، اما خاطره‌ی مصالی تهران برای ما، چیزهای دیگری غیر از نماز هم هست. درست است که این سال‌ها گاهی نماز جمعه تهران به خاطر نمایشگاه کتاب اما بیشتر ما به خاطر نمایشگاه کتاب تهران است که به این مکان می‌رویم. تا سال هشتاد و پنج، ناشرها، نویسندگان و کتابخوان‌ها، هر ادبیات در سالن‌های محل دائمی نمایشگاه‌های بین‌المللی که کنار اتوبان چمران بود دور هم جمع می‌شدند. آن سال اما رئیس جمهور وقت پایش را کرد توی یک کفش که اینجا تزیین می‌شود و سال بعدش، نمایشگاه کتاب به مصلا رفت.

ما می‌رفتیم مترو سوار می‌شدیم، ایستگاه مصلی پیاده می‌شدیم و راه می‌افتادیم به سمت شیبستان مرکزی مصلا که قسمت اصلی نمایشگاه کتاب رد کرد و بعد دوباره به کمر بست و محکم کرد. آن آنه آدم‌ها و این حرکت بابا ... نه، هیچ چیز عادی نبود.

بعد دو دهه از آن روز گذشت و یک رویداد فرهنگی سالانه به مصلی آمد. حالا دیگر کار من شده بود کتاب. وقتی رسیدیم سر شکل مصلی عوض شده بود. ساختارها بالا رفته بودند و تپه‌ها و فضای خاکی، همگی خیابان‌کشی و باغچه‌کاری شده بودند. خودم هم دیگر آن نوجوان سابق نبودم.

در رویداد عظیم نمایشگاه کتاب نقشی داشتم. یک سال مسئول تهیه برنامه‌های خبری بودم، سالی دیگر در کمیته فرهنگی نمایشگاه مسئولیتی داشتم، زمانی مسئول برگزاری برنامه‌های سخنرانی نویسندگان شدم، گاهی خودم برای سخنرانی و رونمایی کتاب آمدم ... بارها و بارها آمدم و رفتم.

هیچ باری اما نشد که یاد آن روز خاص مصلی نیفتم. انگار آن تابلوی بزرگ را یک جایی توی ذهن من هم کار گذاشته باشند. خاطره‌ی روزی که مثل روزهای دیگر نبود و مصالایی که یادآور چیزهای دیگر جز صلوات و نماز بود. ... شهرها و جاهای با اتفاقاتشان به خاطر می‌مانند.

آدمهایی به سن و سال من مصلی را با خاطره‌ی روزهای داغ خرداد سال شصت و هشت به جا می‌آورند. نسل جدیدتر هم این روزها را در خاطرشان قاب خواهند کرد. روزهایی که روزهای معمولی نیستند. اتفاقاتی که شبیه آنچه هر روز می‌گذرد نیستند. روزهایی سرنوشت‌ساز در تاریخ کشورم که تا سال‌ها در موردش حرف خواهند زد و مصالایی که یکبار دیگر، آنه جمعیت و یک گریه بزرگ را در خودش جا داده است.

انجمن تهران



پذیرایی‌ها، مهمان‌نوازی‌ها و خدماتی که مردم برای مهمانان تدارک دیده بودند؛ یکی خنده‌اش را به مهمانان تعارف زده بود، دیگری غذای مختصری آماده کرده بود و یکی هم که توانش در حد تأمین شارژ بود... مردم این روزها برای هرچه بهتر برگزار شدن مراسم تشییع رهبر شهید، در کنار مسئولان هستند و آنها را تنها نگذاشته‌اند.

دیروز اولین روز وداع مردمی با رهبر شهید بود و در کنار خدا حافظی‌های غمبار، صحنه‌هایی زیبا هم در خیابان‌های اطراف مصالی تهران دیده شد، از نذری‌ها، حتی در همان دوران کودکی که همه چیز باورپذیرتر است هم تعداد آدم‌ها باورنکردنی بود. بعد بابا کار عجیبی کرد. کمر بند من را باز کرد، یک سر آن را از کمر بند خودش رد کرد و بعد دوباره به کمر بست و محکم کرد. آن آنه آدم‌ها و این حرکت بابا ... نه، هیچ چیز عادی نبود.

بعد دو دهه از آن روز گذشت و یک رویداد فرهنگی سالانه به مصلی آمد. حالا دیگر کار من شده بود کتاب. وقتی رسیدیم سر شکل مصلی عوض شده بود. ساختارها بالا رفته بودند و تپه‌ها و فضای خاکی، همگی خیابان‌کشی و باغچه‌کاری شده بودند. خودم هم دیگر آن نوجوان سابق نبودم.

عکس نوشت



هر کسی قابی از عشق را به تصویر می‌کشد اما بعضی از قاب‌ها خاص‌تر، دلنشین‌تر و به یادماندنی‌تر هستند؛ مثل این قاب که زنی را به تصویر کشیده که با وجود مشکل حرکتی از ورامین به تهران آمده، به سختی و به تنهایی با وسایل نقلیه عمومی، رهبر شهید مردانی در این حد عاشق داشت و دارد.



علی‌اکبر لاهی

این روزها، پس از حدود نیم قرن، باید با دل خونین با مرشد وداع کنم (انا ان‌الله و الیه مرجعون)؛ از آن که تدبیر و صلابت توأم با اخلاص آموختم و «عزت، حکمت، مصلحت»، میراث معماری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران شد.

محمد جعفر قانیه

مردم قدرشناس ایران اسلامی در بدرقه رهبر شهید خود، تصویری ماندگار از ایمان، وقار و همبستگی ملی خواهد آفرید. حضور دشمن شکن در مراسم تشییع و وداع، پاسداشت راه استقلال و عزتی است که با خون شهدا روشن‌تر از همیشه وعده همه ما، حضوری با شکوه، متحد و سربلند.

حسام‌الدین اشنا

آری؛ ما او را به خاک ایران می‌سپاریم، ولی یادمان باشد که او خاک ایران را به ما سپرد.

محمد حسین خوسف

هرگز گمان مبر کسانی که در راه خدا گشته می‌شوند مردانند؛ آنان زنده‌اند و نزد پروردگارتان! از زرق و روزه برخوردار! آل عمران، ۱۶۹ و توای بزرگ مرد ایران، همچنان زنده‌ای و امروز، قدرتمندتر... دست ملت مظلوم و مسولان کشور را بگیر تا به سرعت بتوانند ایران قوی بسازند!

جواد فرانی

برای نخستین و آخرین بار بود که شما را دیدم. با آگاهی از تاریخ گواهی می‌دهم که شما، ایرانی ترین ایرانی مسلمان بودی و برای عزت، پیشرفت، استقلال، قدرت و گرفتن حق ملت، مقابل شیطان بیست فطرت و چنانکار جهان ایستادی، ذلت را برای ایران نپذیرفتی و جان شیرینت را در این راه دادی.

جکسون هینکل

I paid my respects Imam Khamenei today at the funeral procession in Iran (من امروز در مراسم تشییع رهبر شهید امام خامنه‌ای ادای احترام کردم)

مهدی سلحشور

امروز پیکر مردی را تشییع می‌کنیم که یک عمر با منطق عاشورایی زیست و چون حسین علیه‌السلام به گدوال قتلگاه رفت تا اثبات کند: «هنلی لا یتابعین»؛ او آموخت عزت، بهای سنگی دارد، اما ذلت بهایی سنگین‌تر و خفت‌نازک دشمن خوب بداند که این پرچم هیچگاه بر زمین نخواهند ماند...

صادق الحسینی

در تاریخ ۲۵۰۰ساله ایران، کوروش کبیر هخامنشی و پیروز یکم ساسانی و سیدعلی خامنه‌ای تنها رهبران ایرانی هستند که در جنگ و در حمله مستقیم دشمن خارجی، جان داده و شهید شده‌اند.

M.Moradian

گویی کربلا دوباره تکرار شد و سلاله‌ای از حسین (ع) با اهل بیت خویش به مسلح همچون علی اصغر کربلا، با تیرهای دشمن به شهادت رسید. امروز تابوت کوچک او نماد ایران است. شهید زهرا محمدی گلپایگانی؛ درانه ۴ماهه رهبر شهید.

Abd Akbari

میراث اصلی آیت‌الله خامنه‌ای تثبیت فقهی از سیاست خارجی است که در آن، استقلال، اقتدار و بازآزادگی، سه ضلع مثلث امنیت ملی ایران به شمار می‌آیند؛ فقهی که احتمالاً همچنان یکی از مهم‌ترین مبانی اندیشیدن به جایگاه ایران در نظم آینده جهانی باقی خواهد ماند.

امیرابراهیم رسولی

در دنیای نامردی‌ها؛ بی‌معرفت نیستیم مهتر نرود از دل